

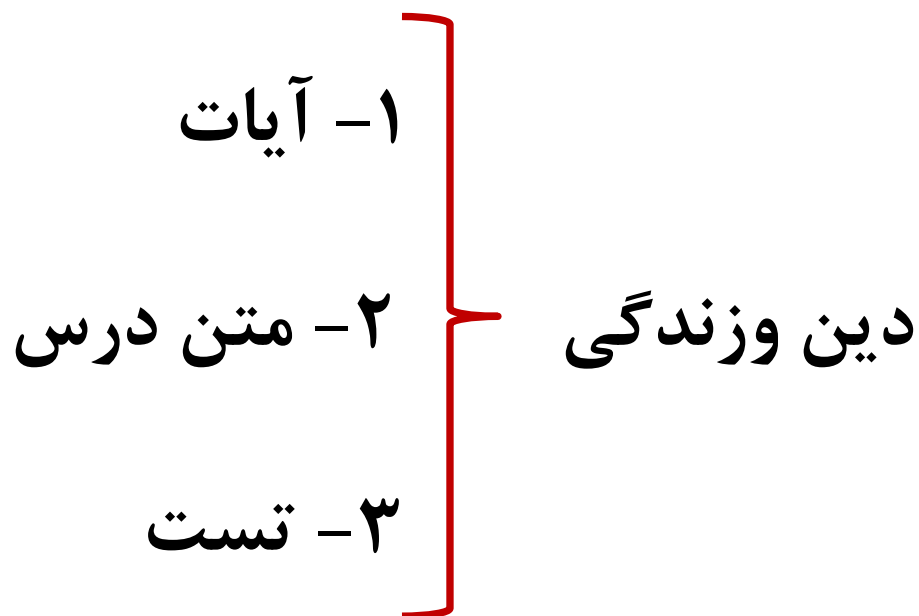


# دین و زندگی

جلسه اول

[www.3gaam.com](http://www.3gaam.com)

# چگونه باید درس دین و زندگی را مرور کرد



## الف) آیات

۱- موضوع اصلی آیه (تیتراصلی درس یا پاراگراف و تیتراهای فرعی)

۲- بررسی کلمات کلیدی آیه

۳- آیه از زبان چه کسی و یا چه کسانی است

۴- آیه درباره چه کسی و یا چه کسانی است

۵- آیه خطاب به چه کسی و چه کسانی است

۶- ظرف تحقق این آیه چیست؟ ( دنیا- آخرت- برزخ )

۷- ارتباط معنایی با آیات و احادیث و اشعار دیگر در همان

کتاب یا کتاب های پایه های دیگر

۸- ارتباط معنایی متن درس با آیات

۹- آیات با چه کلماتی شروع شده و با چه کلماتی پایان

یافته است

۱۰- چه صفاتی از خداوند در انتهای آیات ذکر شده است

۱۱- دانستن ترجمه کامل آیه

۱۲- بررسی آیات بخش اندیشه و تحقیق یا تفکر در آیات

یا استخراج نمونه ها

۱۳- نحوه استفاده از علت و معلول، شرط و شروط، تقدم و

تاخر و... در آیات

## (ب) متن درس

۱- کلمات کلیدی در متن

۲- تقسیم بندی ها در هر درس

۳- نحوه بهره گیری از کلمات علت و معلول، شرط و شروط

و ... در متن درس

۴- اشعار

۵- پیغام آیات که در متن درس آمده

## (ج) تست

۱- تست درس به درس

۲- تست جامع

## سوالات دین و زندگی

سال دوم: ۹ سوال

سال سوم: ۹ سوال

سال چهارم: ۷ سوال



« درس اول »

«جلوه های حکمت و تدبیر»

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى \* وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

( در درس اول سال سوم آمده است )

۱- جلوه های حکمت و تدبیر (تیتراژ درس)

۲- هر یک از موجودات دارای نظم و هدایت و هدفی است.

۳- پاسخگو به سوال اول درس : ما در چگونه جهانی زندگی

می کنیم؟

۴- توحید در خالقیت (خَلَقَ)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز

نشانه‌هایی برای خردمندان است

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي  
خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا  
عَذَابَ النَّارِ

در همه حال به یاد خدا بودن  
ویژگی‌های خردمندان: } تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین

شاخصه اصلی مجموعه منظم } هدف  
غایت  
اول تسبیح سپس دعا

و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ

اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

۱- جلوه های حکمت و تدبیر ( تیترا درس )

۲- حرکت کوه ها ( اعجاز محتوایی قرآن ) ( درس ۳ سال

سوم )

۳- استواری - استحکام - انسجام و نظم و محکم بودن

آفرینش ( اتقان صنع )

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

۱- جلوه های حکمت و تدبیر (تیترا درس)

۲- هر موجودی به گونه ای خلق شده که اندازه خاص،  
هدف های خاص و نظم خاص را دنبال می کند

۳- توحید در خالقیت (خَلَقْنَاهُ)

۴- هر قضای الهی بر یک تقدیر تکیه دارد ( درس ۵ سال  
چهارم)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

۱- با توجه به کلمه «حق» هدفداری و حکمت الهی نتیجه

می شود

۲- پاسخ به سوال: ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم؟

۱- از دقت در کدام آیه « نتیجه‌ی تفکر خردمندان در نظام

آفرینش » مفهوم می‌گردد؟ ( سراسری انسانی ۹۱ )

(۱) رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا

(۲) سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

(۳) يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

(۴) يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ

گزینهِی «۱» صحیح است



۲- از دقت در دو آیه شریفه «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادَةً وَ  
هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ» و «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» به  
ترتیب به موضوع ..... و ..... پی می‌بریم.

( سراسری خارج از کشور ۹۰ )

- ۱) استواری نظام آفرینش - نبودن خلل و شکاف در عالم وجود
  - ۲) استواری نظام آفرینش - حکیمانه بودن و هدفداری خلقت
  - ۳) حکیمانه بودن و هدفداری خلقت - استواری نظام آفرینش
  - ۴) حکیمانه بودن و هدفداری خلقت - نبودن خلل و شکاف در  
عالم وجود
- گزینه‌ی «۲» صحیح است

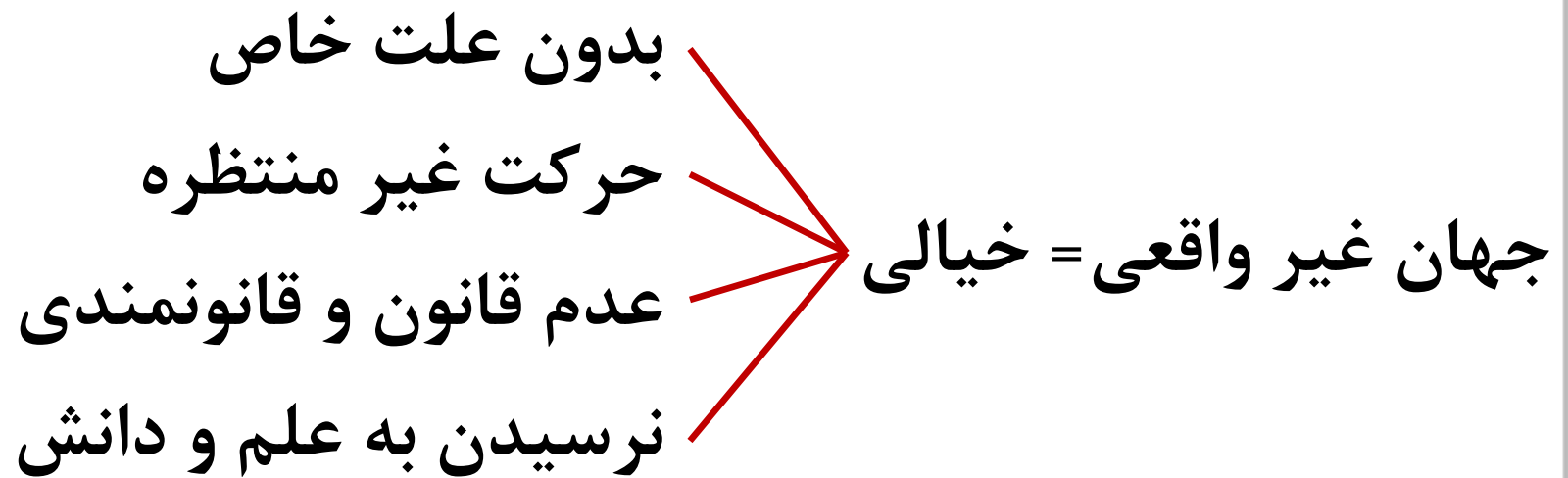
پدیده‌هایی چون آمد و شد شب و روز، خورشید، ماه، ستارگان،  
کوه‌ها، دشت‌ها، سپیده‌دم، گیاهان، جانوران، مراحل خلقت انسان،  
حرکت ابرها و نزول باران که انسان‌ها در زندگی روزانه خود مشاهده  
می‌کنند و تفکر در آن‌ها برای هر کس امکان پذیر است. با وجود این  
نشانه‌ها، هر کس خردمندی پیشه نکند و به درستی نیندیشد، زیان  
آن را خواهد دید و جایگاه خود در جهان را نخواهد شناخت. سعدی  
می‌گوید:

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

بدون علت خاص  
حرکت غیر منتظره  
عدم قانون و قانونمندی  
نرسیدن به علم و دانش

جهان غیر واقعی = خیالی



وقتی به موجودات پیرامون خود نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که:

۱- هر وجودی از اجزای خاص و معینی تشکیل شده است.

۲- این اجزا با آرایش مخصوص به خود در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

۳- هر جزء کار مخصوصی انجام می‌دهد و وظیفه معینی بر عهده دارد.

۴- میان وظایف و مسئولیت‌ها پیوستگی و ارتباط مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که کار هر یک مکمل و ادامه‌ی کار دیگری است و کارها و مسئولیت‌ها در ارتباط با هم معنا می‌یابند و اگر به کار یک جزء به تنهایی نگاه شود، ناقص و ناتمام به نظر می‌آید.

۵- هر سامان و نظامی و همکاری و فعالیت، به دنبال هدف خاصی است که آن را از سایر سامان‌دهی‌ها و همکاری‌ها جدا می‌کند.

شاخصه‌ی اصلی همان « هدف » و « غایت » است. بدون « هدف »، پیوستگی، ارتباط و هماهنگی معنا ندارد و اساساً مجموعه‌ی دارای نظام، شکل نمی‌گیرد. همکاری، پیوستگی و نظام، همواره برای آن است که به هدف معینی منجر شود و به سرانجام روشنی برسد.

اگر شاخصه هدفمندی در کار نباشد، تمام فعالیت های یک مجموعه « عبث »، « بیهوده » و در یک کلام، « باطل » می شود و با بودن آن، مجموعه فعالیت ها، « ثمربخش »، « هدفمند » و در یک کلام، « حق » می گردد.

اگر به مثال‌های قبل برگردیم، می‌بینیم که هر همکاری و ترکیبی، ثمرات و اهداف بسیار بزرگی به دنبال داشت و هیچ کدام بر «باطل» و «بی‌هوده» نبود.

هدف را در نظر می‌گیرد

اجزاء را بوجود می‌آورد

خالقی آگاه و خبیر و حکیم } با طرح و نقشه و برنامه معین

همکاری‌ها را شکل می‌دهد

تا آن هدف و غایت محقق شود

هر یک از موجوداتی که خدا آفریده، برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست؛ حتی اگر آن موجود، جامد و بی زیان باشد. چرا که آن هم با زبان بی زبانی خالق خود را معرفی می کند و تدبیر خدا را باز می گوید، بدون اینکه به سخن گفتن نیازی داشته باشد. دلالتش بر وجود خدا همواره استوار است و در هر لحظه آفرینندهی خود را نشان می دهد.



... خدای متعال همه مخلوقات را بر اساس مقیاس، نظم  
مشخص، اندازه‌های مخصوص و متناسب با هر یک از آن  
مخلوقات آفرید و در آفرینش آن‌ها طوری اندازه‌ها را  
برقرار کرد که محکم و استوار بماند و از هم فرو نیاشند. هر  
چیزی را مطابق برنامه دقیق به بهترین شکل طراحی کرد و  
آن گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در سرانجام  
وظیفه و دست‌یابی به هدف خاص وی هدایت کرد.

همه این کارها بدان جهت بود که هیچ یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکند و برای رسیدن به مقصد مورد نظر و کمال نهایی کوتاهی ننماید و اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادنش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند.

۳- عدم تجاوز مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده و سرکشی نکردن در برابر دستورات خداوند به بیان علی (ع) بدان جهت است که خدای متعال... (سراسری هنر ۹۰)

(۱) آثار صنع و نشانه های حکمتش را در نوآوری های بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویدا و نمایان سازد.

(۲) با پدید آوردن موجودات، برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی خود را برای همیشه به خداجویان ارائه دهد.

۳- همه مخلوقات را بر اساس مقیاس، نظم مشخص و اندازه های مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات آفرید.

۴- موجودات را بدون اینکه از هیچ نمونه ای آماده و پیش ساخته ای ایده بگیرد و از کار خالق دیگری که پیش از وی جهانی آفریده باشد، آفرید.

گزینه ی «۳» صحیح است

۴- پیوستگی، ارتباط و هماهنگی آن گاه معنی دارد که ..... در کار باشد و به بیان علی (ع) زبان بی زبانی جامدات هم معرفی ..... آفریدگار است و برقراری اندازه ها در آفرینش پدیده ها به منظور ..... آفریده ها است.

(سراسری ریاضی ۹۰)

۱- هدف - قدرت - مخلوق بودن

۲- تدبیر - تدبیر - استوار ماندن

۳- هدف - تدبیر - استوار ماندن

۴- تدبیر - قدرت - مخلوق بودن      گزینه ی «۳» صحیح است

« درس دوم »

« با کاروان هستی »

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى

وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ

۱- هدفداری و حکمت الهی (الْحَقِّ)

۲- به حق آفریده شدن آسمان ها و زمین از هشدار هایی است که مورد بی توجهی کافران قرار گرفته شده است.

۳- جهان دارای زمان بندی و سرآمدی مشخص است

(أَجَلٍ مُّسَمًّى).

۴- این آیه در درس پنج آمده است.

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ  
وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

- ۱- همه موجودات خدا را تسبیح می گویند
- ۲- فرمانروایی از آن خداست و مالک حقیقی اوست
- ۳- ستایش مخصوص اوست (لَهُ الْحَمْدُ)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ  
إِلَيْهِ الْمَصِيرُ

۱- هدفداری - حکمت الهی ( الحَقُّ - إِلَيْهِ )

۲- خداوند انسان را به بهترین شکل آفرید ( أَحْسَنَ صُورَكُمْ )

۳- ما ز بالاییم و بالا می رویم ...



أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا  
وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

۱- هدفداری - حکمت الهی (إِلَيْهِ)

۲- همه عالم تسلیم خداست (طَوْعًا وَكَرْهًا)

۳- نظام واحد جهانی (أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) در  
تحقق ارتباط طولی پدیده ها با خالق

مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى  
مِنْ فُطُورٍ

۱- نگاه مجدد و دقیق به عالم

۲- نبودن خلل و شکاف و بی نظمی در هستی

۳- انسجام کامل - پیوستگی دقیق - نظام واحد جهانی

## اندیشه و تحقیق

... السنتکم و الوانکم..... للعالمین  
(دانا یان)

منامکم بالیل ..... یسمعون

یریکم البرق ..... یعقلون

خلق السماوات و الارض ..... تخرجون  
(معاد)

خلق السماوات و الارض ..... جمعهم اذا  
یشاء قدیر (معاد)

و من آیاته

(حکیمانه بودن خلقت)

۱- دین طلبی از راه غیر الهی در اندیشه برگرفته از «  
وحی» امری مردود و منکر است، این مفهوم از دقت در  
کدام آیه به دست می آید: ( سراسری خارج از کشور ۹۱)

(۱) مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ

(۲) يَسْبَحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

(۳) أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

(۴) لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ

يُرْجَعُونَ  
گزینه‌ی «۳» صحیح است

۲- هدفداری نظام آفرینش از دقت در مفهوم کدام آیه،

مفهوم می‌گردد: ( سراسری زبان ۹۱ )

(۱) يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

(۲) مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ

(۳) مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ

(۴) أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

گزینہی «۳» صحیح است

۳- استراحت شبانه‌گاهی و روزی طلبی، از دقت در کدام آیه،  
مفهوم می‌گردد:

(سراسری تجربی ۹۰)

(۱) وَ مِنْ آيَاتِهِ يَرْيَكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً  
فِيُخَيِّ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

(۲) وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً  
مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ.

(۳) وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ ابْتِغَاؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي  
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

(۴) وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ  
وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ

گزینه‌ی «۳» صحیح است

۴- نظام مندی و غایت مندی پدیده ها نشانی بر ..... الهی است که مجموعه‌ی جهان خلقت نظامی واحد و به هم پیوسته است و آیه‌ی شریفه ..... حاکی از آن است. (سراسری زبان ۹۰)

(۱) حکمت و تدبیر - رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ

(۲) قدرت و سیطره - رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ

(۳) حکمت و تدبیر - مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ

(۴) قدرت و سیطره - مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ

گزینہ‌ی «۳» صحیح است

# دین و زندگی

جلسه دوم

[www.3gaam.com](http://www.3gaam.com)



« درس سوم »

« سرمایه های انسان »

[www.3gaam.com](http://www.3gaam.com)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ  
الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

۱- کرامت و عزت نفس انسان (زن و مرد = بنی آدم)

۲- کرامت نفس از طریق خویشتن شناسی است

۳- کرامت نفس از عوامل رشد است

ارزش هر کس به درک و فهم وی از حقیقت هستی و جایگاه خود در نظام آفرینش بستگی دارد. امام علی (ع) در سخنی به این موضوع اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود.»

روزها فکر من این است و همه شب سخنم  
که چرا غافل از احوال دل خویشتم  
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود  
به کجا می‌روم آخر، ننمایی وطنم

خداوند به ما کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات  
برتری داده است.

آن چه را که در آسمان ها و زمین است برای ما آفریده و  
توانایی بهره مندی از آن ها را در وجود ما قرار داده است.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ...

۱- فطرت ۲- سرشت خدا آشنا

او، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را که  
گرایش به همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، در ما قرار داد. از  
این رو، هر کس در خود می‌نگرد و به تماشای جهان  
می‌نشیند، خدا را می‌یابد و محبتش را در دل حس می‌کند.

امیرمومنان، علی (ع) فرمود:

« در هیچ چیزی ننگریستم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد  
از آن و با آن دیدم.»

گاهی غفلت ها سبب دوری ما از او می شود، ولی باز که به  
خود بر می گردیم، او را در کنار خود می یابیم و می گوییم:  
دوست نزدیکتر از من به من است

وین عجب تر که من از وی دورم

چه کنم با که توان گفت که او

در کنار من و من مهجورم

با آیه « وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ » ارتباط معنایی دارد.

وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا

۱- خداوند بدی‌ها و خوبی‌ها را به انسان الهام کرده است

۲- اختیار

خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در ما قرار داد، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی پرهیزیم. از این روست که همه‌ی ما فضائی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

۱- اختیار انسان ( در درس ۵ سال چهارم آمده است )

۲ - هدایت تشریعی

۳- توحید در ربوبیت

۴- سنت امداد ( درس ۶ سال چهارم )

خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئل سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.



وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

۱- توحید عبادی

۲- اخلاص (فینا)

۳- توحید در ربوبیت

۴- توفیق الهی ( درس ۶ سال چهارم )

۵- این آیه در درس ۴ و ۶ پیش دانشگاهی آمده است

علاوه بر این سرمایه های بزرگ، خداوند، پیامبران و پیشوایان پاک و دلسوزی را همراه با کتاب راهنما برای ما فرستاد تا راه سعادت را به ما نشان دهند و در پیمودن راه حق به ما کمک کنند. همچنین وعده داده است که هر کس در راه خدا، که راه خوشبختی خودمان است، تلاش کند، او راه را از امدادهای غیبی خود بهره مند سازد و در رسیدن به مقصد یاری کند.

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

۱- وجدان اخلاقی

۲- نفس ملامتگر و سرزنشگر

۳- اگر به یک از گناهان آلوده شویم، خود را سرزنش می‌کنیم و در اندیشه‌ی جبران بر می‌آییم.

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ

۱- اشاره به قوه عقل (حجت باطن) دارد

۲- انتخاب آگاهانه

۳- سنت توفیق الهی

پروردگار، به ما قوه و نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا  
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

۱- حرام خواری علت تبعیت از وسوسه های شیطانی است

۲- حلال خواری علت عدم تبعیت از وسوسه های شیطانی است

۳- حرمت همگامی با شیطان

۴- موانع رشد = وسوسه های شیطان

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ... وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ  
وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

۱ - موانع رشد = نفس اماره

۲ - خداوند به انسان قرب وجودی دارد

خداوند به ما یادآوری می کند که عامل درونی، انسان ها را  
برای رسیدن به لذت های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت  
می کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می دارد. این عامل  
درونی همان است که حضرت علی (ع) درباره اش فرموده:

« دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست »

نفس، هر دم در درونت در کمین

از همه مردم بتر در مکر و کین

دشمنی داری چنین در سر خویش

مانع عقل است و خصم جان و کیش

همچنین، خداوند از موجود گمراه کننده‌ای خبر می‌دهد که خود را برتر از آدمیان می‌پندارد و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از راه رسین به بهشت باز دارد. کار او وسوسه کردن و دادن وعده‌های دروغین است و جز از همین طریق، راه نفوذ دیگری در ما ندارد. این خود ما هستیم که به او اجازه وسوسه می‌دهیم یا راه فریب را بر او می‌بندیم.



او معمولاً از راه های زیر ما را گمراه می کند:

۱- زیبا و لذت بخش نشان دادن گناه ( نه دنیا ).

۲- سر گرم کردن به آرزوهای سراب گونه ی دنیایی.

۳- غافل کردن از خدا و یاد او.

۴- ایجاد کینه و دشمنی میان مردم.

همین دشمن، در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی  
برای توبه باقی نمانده، به اهل جهنم می گوید: « خداوند به  
شما وعده حق داد، اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن  
عمل کردم. البته من بر شما تسلطی نداشتم، فقط شما را به  
گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا  
پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا، نه من می‌توانم  
به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.»

اندیشه و تحقیق:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ  
فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

۱- مقام صداقت و قرب الهی انسان

۲- این آیه درباره جایگاه متقین و پرهیزکاران

۱- «گرایش به همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها» و «تنفر و بیزاری از دورویی و ذلت و حقارت نفس» برخاسته از ..... و ..... می‌باشد.

( سراسری انسانی ۹۱ )

۱) گرایش به خیر و نیکی - قدرت عقل و تفکر

۲) گرایش به خیر و نیکی - فطرت خدا آشنا

۳) فطرت خدا آشنا - قدرت عقل و تفکر

۴) فطرت خدا آشنا - گرایش به خیر و نیکی

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۲- این سخن امام علی (ع) که می فرماید: «در هیچ چیزی ننگریستم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم» با پیغام کدام آیه مناسبت دارد؟ ( سراسری زبان ۹۱ )

(۱) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

(۲) فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...

(۳) وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

(۴) فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا

گزینهی «۴» صحیح است

۳- حفظ «اختیاری» منزلت انسان از دقت در کدام قسمت

از آیه شریفه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ  
وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»

مفهوم می گردد؟ ( سراسری خارج از کشور ۹۰ )

(۱) « وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ »

(۲) « حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ »

(۳) « رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ »

(۴) « فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا » گزینه‌ی «۴» صحیح است

۴- تمام موارد، راه‌های کید و فریب دشمن قسم خورده‌ی

مصمم به انتقام‌گیری از فرزندان آدم است، به جز:

( سراسری تجربی ۹۰ )

(۱) سرگرم کردن انسان به آرزوهای سراب گونه‌ی دیگر

(۲) آراستن و لذت بخش نشان دادن زمینه‌های دل فریب دنیا

(۳) غافل کردن از خدا و یاد او

(۴) دامن زدن آتش خانمان سوز کینه و عداوت میان ابنای

مردم

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۵- مقام «قرب وجودی» که فرجام و جایگاه پیش بینی شده برای انسان است، از دقت در کدام آیه مفهوم می‌گردد؟ و درباره‌ی خداوند «ناآگاهانه» سخن گفتن پیام کدام آیه است؟  
( سراسری انسانی ۹۰ )

(۱) ( إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ \* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ ) - ( وَ نَعْلَمُ مَا تُوسْوَسُ بِهِ نَفْسُهُ )



(۲) ( أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) - ( وَنَعْلَمُ مَا تُوسِسُ بِهِ نَفْسُهُ )

(۳) ( إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ \* فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ

مُقْتَدِرٍ) - ( وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ )

(۴) ( أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) - ( وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا

تَعْلَمُونَ )

گزینهی «۳» صحیح است

۶- آیات (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا)، (وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا

فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا) به ترتیب بیانگر ودیعه‌ی ..... و ..... در

انسان است. (سراسری هنر ۹۰)

۱- گرایش به خیر و نیکی - فطرت خدا آشنا

۲- فطرت خدا آشنا- گرایش به خیر و نیکی

۳- گرایش به خیر و نیکی - هدایت الهی و امدادهای او

۴- فطرت خدا آشنا- هدایت الهی و امدادهای او

گزینه‌ی «۲» صحیح است

« درس چهارم »

« خود حقیقی »

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ  
فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

۱- خلقت فرشتگان قبل از انسان بوده است

۲- بعد مادی و روحانی انسان

۳- سجده فرشتگان به خاطر بعد روحانی انسان است

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا  
فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

۱- مراحل خلقت انسان - مراحل رشد جنین

۲- ترتیب خلقت مهم است:

نطفه - علقه - مضغه - عظام - لحم - خلقاً آخر

۳- تعبیر «خَلَقًا آخَرَ» همان بعد روحانی انسان است

۴- خداوند در انتهای آیه به خود آفرین گفته است

از تدبیر در آیات قران کریم به دست می آید که وجود انسان از دو بعد جسمانی و روحانی تشکیل شده است؛ بعد جسمانی و مادی انسان، مانند سایر اجسام و مواد، تجزیه و تحلیل می پذیرد و سرانجام، فرسوده و متلاشی می گردد و به مکان و زمان نیازمند و محدود است. در مقابل، بعد روحانی و غیر جسمانی انسان تجزیه و تحلیل نمی پذیرد، متلاشی نمی شود و بعد از مرگ بدن، باقی می ماند و آگاهی

و حیات خود را از دست نمی دهد.

قوة تفکر و اندیشه، قدرت اختیار و تصمیم گیری، عواطف و احساسات و اخلاق، همه مربوط به این بعد از وجود انسان است. پس این بعد است که خود حقیقی ماست و شخصیت واقعی ما را می سازد. دانشمندان نشانه ها و دلایلی بر وجود این بعد ذکر کرده اند که به دو مورد آن در این جا بسنده می کنیم:

**الف- ثابت بودن «خود»:** هر کس درک روشنی از «خود» دارد و در اثبات وجود چیزی که از آن تعبیر به «من» می‌کند به هیچ گونه استدلالی احتیاج ندارد. گفته اند با گذشت حدود هفت سال، تمام عناصر بدن، عوض می‌شود. اگر شخصیت یا «من» انسان وابسته به جسم او باشد، باید در دوران عمر بارها عوض شده و به شخص دیگری تبدیل شده باشد. در صورتی که چنین نیست.



قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد نیز بر پایه پذیرش همین «من» ثابت بنا شده اند.

**ب- رویاهای صادقانه:** هر کدام از ما هنگام خواب، رویاهایی را مشاهده می کنیم که برخی از آن ها مطابق با واقعیت هستند و از یک رویداد خارجی حکایت می کنند. مثلاً برخی از این قبیل خواب ها، خبر از حوادث گذشته یا رویدادهای آینده می دهند یا نشان دهندهی مکانی هستند

که هرگز در بیداری آن جا را ندیده ایم و بعد ها که به آن جا می رویم، آن چه را در خواب دیده بودیم، در خارج مشاهده می کنیم. انسان، در این قبیل خواب ها، از ظرف زمان یا مکان خود خارج می شود و به زمانی در گذشته یا در آینده می رود و یا در مکانی که تا به حال نرفته، قرار می گیرد در حالی که جسم او در رختخواب است و چشم و گوش او چیزی نمی بیند و نمی شود.

## چهار رویای صادقانه در سوره یوسف

| بیننده خواب   | تعبیر کننده | کلمات کلیدی آیه |
|---------------|-------------|-----------------|
| ۱- یوسف       | یعقوب       | کوکباً          |
| ۲- زندانی اول | یوسف        | خمرأً           |
| ۳- زندانی دوم | یوسف        | خبزاً           |
| ۴- پادشاه مصر | یوسف        | بقرات - سنبلات  |

بنابر دلایل گفته شده می‌توانیم دریابیم که ما غیر از بعد جسمانی، بُعد دیگری داریم که در فرهنگ دینی، از آن به «روح» تعبیر شده است. همین بُعد است که توانایی «انتخاب» و «تصمیم‌گیری» می‌دهد، «جاودانگی» را در می‌یابد و آن را طلب می‌کند، به دنبال کمالات نامحدود است و توانایی درک واقعیات و اختراع و ابتکار و اکتشاف به ما می‌بخشد. همین بُعد است که فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی را کسب می‌کند و اگر به فضیلت‌ها آراسته شد، مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان می‌شود و اگر به رذیلت‌ها تن داد، تا اعماق جهنم سقوط می‌کند.

۱- منظور از «ثبات روح» و بعد غیرمادّی انسان، این است که ..... و آیات «إِنِّي أَرِي سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ» و «إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا» به ترتیب مربوط به خواب ..... و خواب ..... می باشد.

(سراسری هنر ۹۱)

۱) روح آدمی دچار تغییر و دگرگونی می شود - عزیز مصر - هم زندانی محکوم به اعدام

(۲) روح آدمی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود - هم زندانی محکوم به اعدام - عزیز مصر

(۳) دست تجزیه و تحلیل و فرسایش و استهلاک از دامانش به دور است - هم زندانی محکوم به اعدام - عزیز مصر

(۴) دست تجزیه و تحلیل و فرسایش و استهلاک از دامانش به دور است - عزیز مصر - هم زندانی محکوم به اعدام

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۲- با توجه به آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان دین که عامل اصلی گناه را «خود انسان» معرفی می‌کنند، منظور از این «خود» همان خود ..... است که ..... می‌باشد و در آن، تغییر و دگرگونی .....  
(سراسری ریاضی ۹۰)

(۱) روحانی - همراه با تغییر - هست

(۲) روحانی - مصون از استهلاک - نیست

(۳) جسمانی - همراه با تغییر - نیست

(۴) جسمانی - مصون از استهلاک - هست

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۳- رویاهای مطابق با واقعیت حاکی از یک رویداد خارجی که همان رویاهای ..... هستند، مبین وجود بُعد غیرمادی انسان که ویژگی آن «ثبات» به معنای ..... ناپذیری است و سجده فرشتگان به آدم، ..... برخورداری از آن است، می باشد.

(سراسری انسانی ۹۰)

(۱) صادق - تجزیه - معلول      (۲) صادق - تغییر - علت

(۳) واقعی - تجزیه - معلول      (۴) واقعی - تغییر - علت

گزینه ی «۱» صحیح است



۴- با دقت در آیه شریفه «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» موضوع ..... را بیان می کند که دلیل بر ..... است.

(سراسری زبان ۹۰)

(۱) سرگذشت حضرت یوسف (ع) - سجده کردن یازده ستاره، خورشید و ماه

(۲) سرگذشت حضرت یوسف (ع) - صبر آن حضرت در برابر مشکلات و مصائب

(۳) رویاهای صادقانه - روح مجرد و ثابت که دچار تغییر می شود

(۴) رویاهای صادقانه - روح مجرد و ثابت که دچار تجزیه و تحلیل

نمی شود  
گزینه ی «۴» صحیح است

۵- آیه شریفه «و قَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرِي سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ

يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَ سَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضِرٍ وَ أُخْرَ يَابِسَاتٍ...»

موضوع ..... را بیان می کند و دلیل بر ..... است.  
(سراسری انسانی ۸۹)

(۱) رویاهای صادق - آفرینش مجدد جسم

(۲) ودیعه های الهی - آفرینش مجدد جسم

(۳) رویاهای صادق - غیرمادی بودن روح

(۴) ودیعه های الهی - غیرمادی بودن روح

گزینه ی «۳» صحیح است

۶- قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد بر پایه‌ی پذیرش

..... بنا شده اند و روح آدمی ..... (سراسری تجربی ۸۸)

(۱) «من» ثابت - تغییر پذیر نیست و تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و فرسوده و مستهلک نمی‌شود

(۲) روابط اجتماعی - تغییر پذیر نیست و تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و فرسوده و مستهلک نمی‌شود

(۳) «من» ثابت - بعد مرگ با بدن باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد

(۴) روابط اجتماعی - بعد مرگ با بدن باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد  
گزینه‌ی «۱» صحیح است

« درس پنجم »

«پنجره ای به روشنایی»

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ

۱- هدفداری و حکمت الهی (الحق)

۲- یکی از هشدارهایی که مورد بی توجهی کافران قرار می گیرد به حق آفریده شدن آسمان ها و زمین است.

۳- جهان زمانبندی یا سرآمدی مشخص دارد (أَجَلٍ مُّسَمًّى)

۴- محدودیت و نیاز زمینه ساز حق گرایی و دل نسپردن به آن است.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ

النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱- سیر در زمین برای دیدن خلائق

۲- این آیه درباره مبدأ (توحید) و معاد است.

۳- قدرت خداوند

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا  
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۱- هدفداری و حکمت الهی (الحق)

۲- یکی از نتایج حق بودن خلقت جهان که به انسان  
مربوط می شود همان یافتن پاداش آن چه که انجام داده  
است، می باشد. (تجسم اعمال)

۳- عدالت الهی (لا يُظْلَمُونَ)

❖ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا  
وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ

❖ أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۱- این آیات درباره دیدگاه مادی مرگ است.

۲- فرجام دیدگاه مادی: مَأْوَاهُمُ النَّارُ

۳- ویژگی کسانی که جایگاهشان آتش است.



\* قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنََّّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا  
\* أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ  
لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا

۱- زیان کارترین انسان ها:

الف - تلاششان در دنیا کم و تباه گردید

ب - گمان می کنند بهترین عملکرد را دارند

۲- «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا» همان زیان کارترین انسان‌ها هستند.

۳- کفر به خدا باعث حبط اعمال می‌شود.

۴- این آیه اشاره به نگرش مادی نسبت به مرگ است.

۵- اعمال کافران در قیامت وزنی ندارد (ارزشی ندارد).

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ

الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۱- مقایسه دنیا و آخرت

۲- دنیا بازیچه و سرگرمی است و آخرت زندگی راستین است.

۳- اگر مردم می دانستند به دنیا دل نمی سپردند.

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۱- دیدگاه الهی درباره مرگ

۲- ترس و غم و اندوه نداشتن معلول ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح است.

۳- ارتباط معنایی با حدیث امام حسین

« إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمَا »

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ  
سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا

۱- اراده و اختیار انسان (أَرَادَ)

۲- اگر انسان اراده و تلاش کند، خداوند تلاش او را  
می پذیرد.

۳- با مؤمن بودن و سعی تلاش برای آخرت می توان یک زندگی  
نتیجه بخش و سودمند و پر ثمر داشت.

۴- سنت توفیق الهی

## دیدگاه اول = دیدگاه مادی = دیدگاه منکران معاد

مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی در دنیا، دفتر عمرش بسته می شود و حیات او پایان می یابد و رهسپار نیستی می شود.

**پیامدهای این دیدگاه:** از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که گرایش به جاودانگی دارد، این است که همین زندگی چند روزه نیز برایش بی ارزش می شود؛ در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار شده، شادابی و نشاط زندگی را از دست می دهد، از دیگران کناره

می گیرد و به انواع بیماری های روحی دچار می شود. گاهی نیز  
برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه هایی قدم می گذارد  
که روز به روز بر سرگردانی و یأس او می افزاید.  
گروهی نیز می کوشند که راه غفلت از مرگ را پیش بگیرند،  
خود را به هر کاری سرگرم می سازند تا آینده ی تلخی را که  
در انتظار دارند، فراموش کنند.

دیدگاه دوم = دیدگاه الهی = دیدگاه پیامبران الهی

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند بلکه آن را غروبی می‌دانند که طلوعی در خشان تر در پیش دارد یا پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک هستی (دنیا) به هستی بالاتری (آخرت) منتقل می‌کند.  
رسول خدا (ص) فرمود:

« برای نابودی و فنا شدن خلق نشده اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید.»



از ایشان پرسیدند: باهوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟  
فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را  
برای آن آماده می کنند.  
امیر مؤمنان (ع) فرمود:  
«ای مردم! آدمی در همان حال که از مرگ می گریزد، آن را  
ملاقات می کند. دورانِ زندگی میدان از دست دادن جان است  
و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن می باشد.»

## پیامدهای این دیدگاه:

۱- اولین پیامد این نگرش، بیرون آمدن زندگی از بن بست و باز شدن پنجره‌ی امید و روشنائی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی فعالیت و کار در زندگی است چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همت خستگی ناپذیر است و از کار خود لذت می برد. او با تلاش و توان بسیار در خدمت به خلق خدا می کوشد و می داند که هر چه بیش تر به دیگران خدمت کند، آخرت او زیباتر خواهد بود.

۲- اثر دیگر این نگرش، نه‌راسیدن از مرگ و آمادگی برای  
فداکاری در راه خداست. خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا  
زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند، اما به آن دل  
نمی‌سپرنند؛ از این رو، مرگ را ناگوار نمی‌دانند. آنان معتقدند که  
مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به  
دنیا می‌بینند یا با کوله باری از گناه با آن مواجه می‌شوند.

نترسیدن خدا پرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند. از طرف دیگر، همین عامل سبب می شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان تر شود و شجاعت به مرحله ی عالی آن برسد و آن گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا

ضروری باشد، انسان ها به استقبال شهادت روند و با شهادت خود، راه آزادی انسان ها را هموار کنند؛ از این رو، آن گاه که حضرت امام حسین (ع) در دو راهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

إِنِّي لَا أَرِي الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا  
من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری  
نمی بینم.

## اندیشه و تحقیق:

آیه شریفه ۳۲ تا ۳۷ سوره ی مؤمنون

✱ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ...

۱- درباره منکران معاد یا منکران معاد جسمانی است. (كَذَّبُوا بِإِلقاءِ

الْآخِرَةِ ... )

۲- کسانی که منکران معاد هستند (الْمَلَأُ: اشراف و مترفین: رفاه‌زدگان)

۳- آنان منکر پیامبری رسول خدا (ص) هستند و اطاعت از او را عین

زیانکاری می‌دانند.

۱- با توجه به آیهی «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا» کدام مورد از پیامدهای چنین نگرشی نیست؟

(سراسری خارج از کشور ۹۱)

۱) شادابی و نشاط زندگی را از دست می دهد و از دیگران کناره می گیرد.

۲) زندگی چند روزه ی دنیا برایش بی ارزش می شود و در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می شود.

۳) خود را به هر کاری سرگرم می سازند تا آینده ی تلخی را که در انتظار دارند فراموش کنند.

۴) مرگ را پایان بخش دفتر زندگی می دانند و آن را غروبی می دانند که طلوعی دیگر در پیش دارد. **گزینه ی «۴» صحیح است**

۲- آیه ی شریفه ی «إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» بیانگر.....  
(سراسری ریاضی ۹۱)

(۱) اعتقاد کسانی است که نمی توانند خود را از اندیشه ی مرگ و نابودی پس از آن نجات دهند.

(۲) اعتقاد کسانی است که راه غفلت از مرگ را در پیش گرفته اند و امیدی به حیات مجدد ندارند.

(۳) انکار ملاقات پروردگار و رضایت دادن و قناعت کردن به زندگی دنیایی است.

(۴) عدم اعتقاد کفار به آخرت و منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی است.  
گزینه ی «۴» صحیح است



۳- « ناگوار بودن مرگ » در دیدگاه الهیون بدان جهت است که:

(سراسری تجربی ۹۱)

(۱) مرگ را وسیله ای برای نجات از زندگی و هم زیستی با ظالمان می دانند.

(۲) ناگواری مرگ، معلول بر دوش داشتن بار سنگین گناهان است و الهیون مصون از آن اند.

(۳) خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند، به آن دل نمی سپرند.

(۴) ناگواری مرگ، عامل نومیدی از خدا و پوچ اندیشی نسبت به آفرینش می شود که با توحید سازگار نیست.

گزینه ی «۳» صحیح است

۴- با توجه به آیات و روایات، باهوش ترین مؤمنان و زیان کارترین مردم در کارها به ترتیب چه کسانی هستند؟ (سراسری انسانی ۹۱)

(۱) متفکران در نظام آفرینش اند-

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»

(۲) آنان که فراوان به یاد مرگ اند-

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»

(۳) آنان که فراوان به یاد مرگ اند-

«الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»

(۴) متفکران در نظام آفرینش اند- **گزینه‌ی «۳» صحیح است**

«الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»

۵- «الهیون که مرگ را پایان زندگی نمی دانند و آن را تولدی برای انتقال از مرحله ای به مرحله ی دیگر می دانند، از خداوند عمر طولانی طلب می کنند تا: .....  
(سراسری زبان ۹۱)

(۱) با تلاش بیش تر در راه خدا و خدمت به انسان، اندوخته ی کامل تری به دست آورند.

(۲) کفه ی متعادل دنیا و آخرت را در هم سنگ جلوه دادن آن دو به منصفه ی ظهور برسانند.

(۳) به دنیا پرستان بفهمانند که اعتقاد به عالم پس از مرگ، منافات با دل سپردن به دنیا ندارد.

(۴) راه نیک بختی را برای آیندگان، هموار کنند که عبادت به جز خدمت خلق نیست.  
گزینه ی «۱» صحیح است

۶- با توجه به آیهی شریفه «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا»

زیان کارترین مردم کسانی اند که ..... و آیهی شریفهی ..... فرجام  
زندگی دنیا بدون توجه به آخرت را ترسیم می کند.

(سراسری خارج از کشور ۹۰)

۱) «الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ...» - «أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ  
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»

۲) «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ...» - «أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ الْحَيَاةِ  
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»

۳) «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ...» - «فَحَبِطَتْ

أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًّا

۴) «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ....» - «فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ

فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًّا

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۷- از دقت در آیه ی شریفه «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا  
وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ  
مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ» مفهوم

می گردد که: (سراسری ریاضی ۹۰)

(۱) بهره مندان از نعمت های بی ثبات دنیا، بی نصیبان از توحید و  
منکران معاد و نبوت اند.

(۲) خوردن و آشامیدن که یکی از لوازم حفظ حیات است، هدف  
ره پویان طریق زندگی نیست.

(۳) پیامبران مبعوث از سوی خداوند، هم چون دیگر  
انسان هاینند، جز این که وحی خدا بر دوش دارند.

(۴) توده‌ی مورد توجه جوامع و سرشناسان هر جامعه‌ای،  
عمل سوق جامعه‌ی ناآگاه خویش به سوی کفر و عنادند.

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۸- بین « میل به جاودانگی » و « بی ارزش شدن زندگی چند  
روزه‌ی دنیا » و « کفر به آیات پروردگار و لقای او », رابطه‌ی  
علّیت برقرار است که عنوان هر یک، به ترتیب ..... و ..... و .....  
می‌باشد.  
(سراسری تجربی ۹۰)

(۱) علّت - معلول - معلول

(۲) معلول - علّت - علّت

(۳) علّت - علّت - معلول

(۴) معلول - معلول - علّت

گزینه‌ی «۱» صحیح است



۹- پیام کدام آیه به ترتیب، « انکار معاد جسمانی » و « پیروی

غیر سودمند از پیام آوران الهی » است؟ (سراسری انسانی ۹۰)

(۱) « أَيْعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُمْ وَ كُنْتُمْ تَرَابًا وَ عَظَامًا أَنْكُمْ مَخْرُجُونَ » -

« قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا »

(۲) « ان هى الا حياتنا الدنيا نموت و نحيا » -

« قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا »

(۳) « ان هی الّا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا » –

« و لئن اطعتم بشراً مثلکم انّکم اذا لخاسرون »

(۴) « أیعدکم أنکم إذا متم و کنتم ترابا و عظاما أنکم مخرجون » –

« و لئن اطعتم بشراً مثلکم انّکم اذا لخاسرون »

گزینہی «۴» صحیح است

# دین و زندگی

جلسه سوم

[www.3gaam.com](http://www.3gaam.com)

« درس ششم »

« آینده ی روشن »

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ  
مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

۱- الله (محبت) لا اله (نفرت)

۲- قطعیت معاد (لِيَجْمَعَنَّكُمْ) شکی در آن نیست (لَا رَيْبَ) و خداوند  
راستگوتر است (أَصْدَقُ)

۳- معاد جسمانی و روحانی

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

۱- هدفداری - حکمت (عَبَثًا - إِلَيْنَا)

۲- ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی

۳- لازمه عبث نبودن زندگی انسان و بازگشت او به سوی خداست.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ

كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

۱- ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی

۲- گمان نادرست کسانی که کافر شدند این است که

آسمان و زمین بیهوده خلق شده اند.

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

۱- ضرورت معاد در پرتو عدل الهی

۲- ارتباط معنایی با حدیث

« بالعدل قامت السموات و الارض »



مهم ترین خبری که انبیاء درباره‌ی آینده‌ی بشر آورده اند،  
خبر از معاد و سرای آخرت است. همه‌ی آنان پس از ایمان به  
خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده و آن را لازمه‌ی ایمان به  
خدا دانسته اند. قرآن کریم با چنان صراحت و قطعیتی از  
آخرت یاد می‌کند که جای هیچ شک و شبهه‌ای را باقی  
نمی‌گذارد. در این کتاب الهی، بعد از توحید و یکتاپرستی،  
درباره‌ی هیچ موضوعی به اندازه‌ی معاد سخن نرفته است.

## ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی

حکیم کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می‌شود. از این رو خدای حکیم، مرتکب کار عبث و بیهوده نمی‌شود، زیرا کار عبث از جهل و نادانی سرچشمه می‌گیرد. هر موجودی را برای هدف شایسته‌ای خلق می‌کند و امکانات رسیدن به آن هدف را هم به او عطا می‌نماید و اگر تمایلات و گرایش‌هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است. به طور مثال، در مقابل احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند.

حال اگر به وجود خود توجه کنیم، می بینیم که هر انسانی  
گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از مرگ و نابودی گریزان  
است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود  
انجام می دهد. همچنین هر انسانی طالب و خواستار همه‌ی  
کمالات و زیبایی هاست و این طلب به هیچ حدّی محدود  
نمی شود. او به دنبال پایان ناپذیرها و افول ناشدنی هاست.

## ضرورت معاد بر اساس عدل الهی

عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و جهان را بر عدل استوار ساخته است. رسول خدا (ص) می فرماید:

بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛

آسمانها و زمین بر اساس عدل پابرجاست.

زندگی انسان ها نیز در داخل این نظام عادلانه قرار دارد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که هر کس را به آن چه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند.

اما زندگی انسان در دنیا به گونه ای است که امکان تحقق این وعده را نمی دهد. زیرا:

الف- پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر نیست. همچنین پاداش کسی که کارهای نیک فراوانی دارد و به جمع زیادی از انسان ها خدمت کرده است، با توجه به عمر محدودی که دارد، میسر نیست.

ب- مجازات بسیاری از کسانی که به دیگران ستم کرده اند در دنیا عملی نیست.

برای مثال، مجازات کسی که افرادی را به قتل رسانده یا مانع رشد استعدادهای بسیاری از انسان ها شده است، در این جهان ممکن نیست. و اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی اش برسانند و حق مظلوم را باز ستانند، بر نظام عادلانه ی خداوند ایراد وارد می شود.

### پاسخ به یک اشکال

برخی از افراد در امکان معاد و چنین واقعه‌ی عظیمی در تردیدند. آنان فکر می‌کنند حقیقت انسان همین بُعد جسمانی

اوست، می گویند چگونه ممکن است همه‌ی انسان ها، پس از مرگ و پوسیده و متلاشی شدن، دوباره زنده شوند؟

قرآن کریم از دو جهت به این سؤال پاسخ می دهد:

۱- حقیقت وجود انسان، نفس و روح اوست و این حقیقت،

هنگام مرگ نابود نمی شود بلکه توسط فرشته ی مرگ به تمام و کمال دریافت می گردد. (توفی)

۲- پاسخ دیگر قرآن کریم مربوط به امکان آفرینش مجدد

جسم برای پیوستن به روح در آخرت است. این پاسخ خود به

سه گونه طرح شده و به اثبات آفرینش مجدد جسم پرداخته است.

**تدبر در آیات:**

**امکان معاد جسمانی:**

(الف) قدرت نامحدود خداوندی : بلی قادرین ان نسوی بنانه.....

(ب) پیدایش نخستین انسان: .....انشأها اول مرّة.....

(ج) نظام مرگ و زندگی در طبیعت:

۱- و الله الذی ارسل الرياح فتثير سحاباً.....

۲- يخرج الحی من المیت .....



۱- آن جا که « احساس تشنگی » با « آب » برطرف می‌شود  
و آن جا که « مصلح » و « مفسد » پاداشی درخور صلاح و  
فساد دریافت می‌کنند، به ترتیب ..... معاد در پرتو ..... و  
..... مفهوم می‌گردد.  
(سراسری خارج از کشور ۹۱)

(۱) ضرورت - عدل - حکمت

(۲) امکان - حکمت - عدل

(۳) ضرورت - حکمت - عدل

گزینه‌ی «۳» صحیح است

(۴) امکان - عدل - حکمت

۲- از دقت در دو آیه ی شریفه ی « و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه و قال مَنْ یحیی العِظام و هی رمیم \* قل یمحیها الذی انشاها اوّل مرّة و هو بکلّ خلقٍ علیم » به..... وقوع معاد در بعد ..... پی می بریم.

(۱) امکان - جسمانی که بخش ثابت وجود انسان و بری از تغییر و تحول است.

(۲) ضرورت - جسمانی که بخش ثابت وجود انسان و بری از تغییر و تحول است.

(۳) ضرورت - آفرینش مجدد جسم برای پیوستن روح منزّه از تجزیه و استهلاک به آن

(۴) امکان - آفرینش مجدد جسم برای پیوستن روح منزّه از تجزیه و استهلاک به آن  
گزینه ی «۴» صحیح است

۳- آن جا که انسان های با ایمان و درستکاران خائف از خداوند در طول زندگی، تبعیت از عقل و فطرت را بی کم و کاست به ظهور می‌رسانند و آن جا که محدودیت دنیا، مانع وصول چنین افراد به پاداش در خور می‌شود، به ترتیب ..... معاد در پرتو ..... و ..... مفهوم می‌گردد که آیه‌ی شریفه‌ی «ام نجعل المتّقین کالفجار» حاکی از امر ..... است.

(۱) ضرورت - حکمت - عدل - دوم

(۲) امکان - عدل - حکمت - نخستین

(۳) امکان - حکمت - عدل - دوم

(۴) ضرورت - عدل - حکمت - نخستین

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۴- از دقت در کدام آیه « ضرورت معاد با توجه به عدل الهی »  
مفهوم می گردد؟  
(سراسری ریاضی ۸۹)

(۱) «ما خلقنا السّماء و الارض و ما بینهما باطلاً»

(۲) «افحسبتم انّما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون»

(۳) «ام نجعل الذّین ءامنوا و عملوا الصّالحات کالمفسدین فی الارض»

(۴) «ما خلقنا السّماوات و الارض و ما بینهما الاّ بالحقّ و اجل مسمّی»  
گزینه ی «۳» صحیح است

۵- تمام آیات دالّ بر تحقّق معاد جسمانی است، به استثنای

آیه‌ی: (سراسری انسانی ۸۸)

(۱) «افحسبتم ائّما خلقناکم عبثاً و ائّکم الینا لا ترجعون»

(۲) «قل یحییها الذی انشاها اوّل مرّة و هو بکلّ خلقٍ علیم»

(۳) «و ضرب لنا مثلاً و نسیّ خلقه و قال من یحیی العظام و هی

رمیم»

(۴) «ایحسب الانسان الّئن نجمع عظامه \* بلی قادرین علی أن نسوّی

گزینہ‌ی «۱» صحیح است

بنانه»

۶- پیام کدام آیه با دیگر آیات متفاوت است؟

(سراسری تجربی ۸۸)

۱) «قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»

۲) «قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

۳) «وَضَرْبَ لَنَا مِثْلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ وَ قَالَ مَنْ يَحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ

رَمِيمٌ»

۴) «إِحْسَبِ الْإِنْسَانَ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ \* بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوَّ

كَزِينَةٍ» ۲ صحیح است

بنانه»

۷- آیات شریفه ی «ما خلقنا السّماء و الارض و ما بینهما باطلاً»

و «ام نجعل المتّقین کالفجّار» به ترتیب موضوع ..... معاد در پرتو ...

و ..... را بیان می کند. (سراسری زبان ۸۸)

(۱) ضرورت - حکمت الهی - عدل الهی

(۲) ضرورت - حکمت الهی - حکمت الهی

(۳) امکان - عدل الهی - حکمت الهی

(۴) امکان - عدل الهی - عدل الهی

گزینہ ی «۱» صحیح است

۸- گرایشی که انسان، بسیاری از کارهای خود را برای آن انجام می‌دهد، میل به ..... است که پاسخ گوی آن ..... است و نشانی بر ..... خداوند می‌باشد.  
(سراسری ریاضی ۸۷)

(۱) بقا و جاودانگی - رستاخیز - حکمت

(۲) کمالات بی نهایت - رستاخیز - عدل

(۳) بقا و جاودانگی - حکیمانه بودن خلقت - حکمت

(۴) کمالات بی نهایت - عادلانه بودن خلقت - عدل

گزینه‌ی «۱» صحیح است



## « درس هفتم »

« منزلگاه بعد = برزخ = غیر مادی »

(جهان پس از مرگ و قبل از قیامت)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا  
فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ  
يُبْعَثُونَ

۱- این آیه درباره کافران است (أَحَدَهُمْ)

۲- انسان می تواند بعد از مرگ با خدا سخن بگوید (قَالَ)

۳- وقتی گناهکاران و کافران از خدا درخواست بازگشت می کنند تا  
شاید عمل صالحی انجام دهند. جواب خداوند «كَلَّا» است یعنی هرگز

۴- برزخ حد فاصل میان دنیا و آخرت است

۵- ظرف تحقق آیات برزخ است

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا  
مُسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا  
فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا \* الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ  
الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ  
۱- با توجه به کلمه ی «تَوَفَّاهُمْ» ملائک جان (روح) انسان را  
به طور تمام و کمال می گیرند.

۲- این آیه اشاره به جهنم برزخی دارد (تَوَفَّاهُمْ)

۳- این آیه درباره گناهکاران است (ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ)

۴- گفتگوی گناهکاران با فرشتگان (قَالُوا)

۵- این آیه اشاره به بهشت برزخی دارد (تَتَوَفَّاهُمْ)

۶- ظرف تحقق این آیات برزخ است

۷- تجسم اعمال (بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَّا مَكْرُوهًا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ \* النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

۱- ظرف تحقق آیه « فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَّا مَكْرُوهًا » دنیا است.

۲- ظرف تحقق آیه « وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ » برزخ است

۳- ظرف تحقق آیه « وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ » قیامت است

۴- درجات عذاب (سُوءُ الْعَذَابِ - أَشَدَّ الْعَذَابِ )

۵) ظرف تحقق أَشَدَّ الْعَذَابِ قیامت است

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ

(۱) با توجه به عبارت «**قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ**» اشاره به آثار ما تقدم

و ما تأخر دارد.

(۲) با توجه به کلمه (**نَكْتُبُ**) نتیجه می گیریم که پرونده

اعمال تا قیامت باز است و پیوسته بر آن افزوده می شود.

يُنَبِّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ

(۱) با توجه به کلمه‌ی «يُنَبِّأُ الْإِنْسَانُ» آگاهی از حقیقت اعمال در آخرت است.

(۲) با توجه به کلمه‌ی «يَوْمَئِذٍ» قیامت نتیجه می شود.

(۳) این آیه به آثار ما تقدم و ما تأخر اشاره دارد. (قَدَّمَ وَأَخَّرَ)

## عالم برزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می دهد. برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ نیز میان زندگی دنیایی و حیات اخروی قرار گرفته و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می شوند و تا قیامت در آن جا می مانند. این عالم دارای ویژگی های زیر است:

۱- پس از مرگ، گرچه فعالیت های حیاتی بدن متوقف می شود، اما فرشتگان حقیقت وجود انسان را که همان روح است، «توفی» می کنند، یعنی آن را به طور تمام و کمال دریافت می نمایند. بنابراین گرچه بدن حیات خود را از دست می دهد، اما



روح همچنان به فعالیت آگاهانه ی خویش ادامه می دهد.

۲- در این عالم، انسان با فرشتگان گفتگو می کند و پاسخشان را می شنود. همچنین اموری را درک و مشاهده می کند که درک آن ها در دنیا ممکن نبود. به طور مثال، اعمالی را که در دنیا انجام داده، مشاهده می کند.

۳- بخشی از پاداش و جزای مردم در عالم برزخ داده می شود. مؤمنان در «بهشت برزخی» و کافران در «جهنم برزخی» که تجلی کوچکی از بهشت و جهنم آخرت است، روزگار می گذرانند.

۴- ارتباط عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ نیز هم چنان برقرار است، بدین معنا که پرونده ی اعمال انسان ها با مرگ بسته نمی شود و پیوسته بر آن افزوده می گردد. همان گونه که قرآن کریم می فرماید، اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می دهد، دارای آثاری هستند که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می ماند. آثاری را که بعد از مرگ از اعمال انسان برجا می ماند، «ما تأخر» می نامند. یعنی با این که فرد از دنیا رفته، پرونده ی عملش همچنان گشوده است و آثار عمل در آن ثبت می گردد. همچنین به اعمال و آثاری که پیش از مرگ در پرونده ی اعمال فرد ثبت شده است، «ما تقدم» می گویند.

## برزخ در کلام پیشوایان

۱- در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن کشتگان را ندا داد: ای فلان، ای فلان، آنچه پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟ گفته شد: ای رسول خدا، آیا ایشان را می خوانی در حالی که مردگان اند؟

فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند، و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند.

۲- شخصی از امام کاظم (ع) درباره ی وضع مؤمنان پس از مرگ پرسید: آیا مؤمن به دیدار خانواده ی خویش می آید؟  
فرمود: آری.

پرسید: چقدر؟

فرمود: بر حسب فضیلت هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه.

۳- امام صادق(ع) فرمود: هنگامی که مرده ای را در قبر می گذارند، شخصی بر او ظاهر می شود و به او می گوید: ای فلان، ما (در دنیا) سه چیز بودیم: رزق تو که با پایان مهلت تو قطع شد (و اینک همراه تو نیست)، خانوادهات که تو را رها کردند و بازگشتند و من که عمل تو هستم که با تو می مانم. آگاه باش که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی ارزش تر و سبک تر بودم.

۴- رسول خدا (ص) می فرماید: هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می گذارند، بدون این که از اجر انجام دهنده ی آن کم کنند و هر کس

سنت زشتی را در بین مردم باب کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می گذارند، بدون این که از گناه عامل آن کم کنند.

۵- امام صادق (ع) فرمود: شش چیز است که مؤمن، بعد از مرگ نیز از آن ها بهره مند می شود: فرزند صالحی که برای او طلب مغفرت کند، کتاب قرآنی که از آن قرائت شود، چاه آبی که حفر کرده (و به مردم آب می دهد)، درختی که کاشته است، آبی که برای خیرات جاری کرده و روش پسندیده ای که بنا نهاده و دیگران پس از وی، آن را ادامه می دهند.

۱- ارتباط عالم برزخ با دنیا را آثار ..... اعمال انسان ها اثبات می کند و تأثیر مقدار فضیلت های برزخیان، ..... دیدارشان را با خانواده ی خویش، رقم می زند و استمرار بخش ارتباط انسان با دنیا، آثار ..... رفتارهای اوست. (سراسری خارج از کشور ۹۱)

(۱) ماتقدم - کیفیّت - ماتقدم

(۲) ماتأخر - کمیّت - ماتأخر

(۳) ماتقدم - کمیّت - ماتأخر

(۴) ماتأخر - کیفیّت - ماتقدم

گزینه ی «۲» صحیح است

۲- از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی «یقولون سلام علیکم ادخلوا الجنة بما کنتم تعملون» مفهوم می‌گردد که ..... است و از کلمه‌ی «توفی» به ..... پی می‌بریم.

(۱) ورود به بهشت برزخی برای پاکان، نتیجه‌ی اعمال نیک مستمر دنیایی آنان - قطع ارتباط کلی روح با دنیا

(۲) مژده‌ی فرشتگان به متقین، ورود به بهشت رستاخیزی به استفاده‌ی جاوید از آن نعمت‌ها - قطع ارتباط کلی روح با دنیا

(۳) ورود به بهشت برزخی برای پاکان، نتیجه‌ی اعمال نیک مستمر دنیایی آنان - ادامه‌ی فعالیت آگاهانه‌ی روح **گزینه‌ی «۳» صحیح است**

(۴) مژده‌ی فرشتگان به متقین، ورود به بهشت رستاخیزی به استفاده‌ی جاوید از آن نعمت‌ها - ادامه‌ی فعالیت آگاهانه‌ی روح



۳- بر اساس روایات، کدام مطلب در مورد ارواح مؤمنان صحت ندارد؟

(۱) مؤمنان در بهشت برزخی همه‌ی پاداش و جزای خود را می‌بینند.  
(سراسری تجربی ۹۰)

(۲) مؤمنان برحسب مقدار فضیلت هایشان به دیدار خانواده‌ی خویش نائل می‌شوند.

(۳) برخی از مؤمنان هر روز و برخی هر دو روز و کم‌ترین آنان هر جمعه به دیدار خانواده‌ی خویش می‌روند.

(۴) شش چیز است که مؤمن، پس از مرگ نیز از آن‌ها بهره‌مند می‌شود.  
گزینه‌ی «۱» صحیح است

۴- از دقت در کدام آیه، «آگاهی انسان بر کاستی های انجام وظایف خویش» مفهوم می گردد؟

(سراسری انسانی ۹۰)

(۱) «يُنَبِّأُ الْإِنسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَ أَخَّرَ»

(۲) «كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَاءِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»

(۳) «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ \* لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ»

(۴) «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا

مُسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ»  
گزینه ی «۳» صحیح است

۵- با توجه به آیه ی «انّ الذین توفاهم الملائکة ظالمی انفسهم...» کسانی که فرشتگان جان آنها را می ستانند، به آن ها گویند در امر دین بر چه بودید؟ گویند ما در زمین مستضعفان بودیم، فرشتگان در عالم ..... در پاسخ آن ها می گویند: (سراسری زبان ۹۰)

(۱) قیامت - «الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها...»

(۲) برزخ - «الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها...»

(۳) برزخ - «الم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایات ربکم...»

(۴) قیامت - «الم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایات ربکم...»

گزینہ ی «۲» صحیح است

۶- دیدار مؤمنان از خانواده ی خود پس از مرگ و مقدار آن،

بر حسب ..... به بیان امام ..... محقق می گردد.

(سراسری انسانی ۸۹)

۱) فضیلت های خود مردگان - کاظم (ع)

۲) مراتب ایمان بازماندگان - کاظم (ع)

۳) فضیلت های خود مردگان - صادق (ع)

۴) مراتب ایمان بازماندگان - صادق (ع)

گزینه ی «۱» صحیح است

**۷- از آیهی شریفه‌ی «يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ يَوْمِذٍ بِمَا قَدَّمْتَ وَاٰخِرُ» موضوع**

**.... مفهوم می‌گردد و مبین عالم .... است. (سراسری خارج از کشور ۹۰)**

(۱) برخی از اعمال، آثار و نتایج آن‌ها محدود به دوران عمر انسان می‌باشد و همه‌ی اعمال ماتقدم و ماتأخر ثبت می‌شود - برزخ

(۲) برخی از اعمال، آثار و نتایج آن‌ها محدود به دوران عمر انسان می‌باشد و همه‌ی اعمال ماتقدم و ماتأخر ثبت می‌شود - قیامت

(۳) برخی از اعمال هستند که آثارشان حتی بعد از مرگ از بین نمی‌رود، علاوه بر آثار ماتقدم دارای آثار ماتأخر هستند - برزخ

(۴) برخی از اعمال هستند که آثارشان حتی بعد از مرگ از بین نمی‌رود، علاوه بر آثار ماتقدم دارای آثار ماتأخر هستند - قیامت

**گزینه‌ی «۳» صحیح است**

« درس هشتم »

« واقعه بزرگ = قیامت »

## مرحله اول قیامت:

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ

مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ ← مدهوشی اهل آسمانها و زمین

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ← پیامبران و امامان

در این مرحله که با پایان یافتن دنیا آغاز می شود، حوادث زیر اتفاق می افتد:

۱- **نفخ صور اوّل**: اولین حادثه، نفخ صور است. نفخ صور واقعه ی سهمگینی است که قرآن کریم از آن به «صیحه» نیز یاد کرده است.

این صدای مهیب آسمان ها و زمین را فرا می گیرد و آن چنان ناگهانی  
رخ می دهد که همه را غافل گیر می کند.

**۲- مدهوشی اهل آسمان ها و زمین:** همه ی اهل آسمان ها و زمین،  
جز آن ها که خداوند خواسته است، مدهوش می شود و بساط حیات  
انسان و سایر موجودات برچیده می شود.

**۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان ها:** تحولی عظیم در آسمان ها و  
زمین رخ می دهد، آن گونه که وضع کنونی تغییر  
می کند. این تغییر چنان عمیق است که آسمان ها و زمین به آسمان ها  
و زمینی دیگر تبدیل می شوند تا مناسب احوال و شرایط قیامت  
گردند. (الشمس - النجوم - السماء - الارض - الجبال - الوحوش - البحار  
و....)



## مرحله دوم قیامت:

- ۱- ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى ← نفخ صور دوم
- ۲- فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ← زنده شدن همه انسان ها
- ۳- وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ← نورانی شدن زمین
- ۴- وَوُضِعَ الْكِتَابُ ← بر پا شدن دادگاه عدل الهی
- ۵- وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشَّهَدَاءِ ← حضور شاهدان و گواهان
- ۶- وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ← قضاوت بر معیار حق

٦- وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ  
كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ

قضاوت بر معیار حق

٧- فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيهِ

٧- وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ

دادن نامه اعمال

٦- وَالْوِزْنَ يُوزَنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ قضاوت بر معیار حق

۲- مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ

زنده شدن همه انسان ها

در این مرحله وقایعی رخ می دهد تا انسانها آماده ی دریافت پاداش و کیفر شوند.

۱- **نفخ صور دوم:** بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می پیچد و حیات مجدد انسان ها آغاز می شود.

۲- **زنده شدن همه ی انسان ها:**

با این نفخ صور، همه ی مردگان دوباره زنده می شوند و از قبرها بیرون می آیند و در پیشگاه خداوند حاضر می گردند.

**۳- نورانی شدن زمین:** با نوری از جانب پروردگار، زمین روشن می شود تا سرگذشت انسان ها و حوادث تلخ و شیرین و کارهای نیک و بد آن ها را که دیده است، آشکار کند. با این نورانیت، پرده ها کنار می رود و واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته است، پدیدار می گردد.

**۴- بر پا شدن دادگاه عدل الهی:** با آماده شدن صحنه ی قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می شود. ابتدا کتابی قرار داده می شود که در آن کتاب، همه ی اعمال انسان ها از کوچک و بزرگ ثبت است. مردم اعمال خود را در آن کتاب می یابند و گناهکاران می گویند این چه کتابی است که هیچ کار کوچک و بزرگی را از قلم نیانداخته و همه را به حساب آورده است.

**۵- حضور شاهدان و گواهان:** بر اساس آیات و روایات، پیامبران و امامان شاهدان دادگاه عدل الهی هستند؛ همان گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان ها بوده اند. آنان همچنین معیار سنجش اعمال دیگر انسان ها می باشند و چون ظاهر و باطن اعمال انسان ها را در دنیا دیده اند و از هر خطایی مصون و محفوظ اند، بهترین گواهان قیامت اند. رسول خدا (ص) نیز شاهد و ناظر بر همه ی پیامبران و امت هاست.

علاوه بر شهادت پیشوایان، شاهدان دیگری نیز حضور دارند که برخی از آن ها عبارت اند از:

**الف- فرشتگان الهی؛** فرشتگان در طول زندگی انسان ها همواره مراقب آن ها بوده و تمامی اعمال آن ها را ثبت و ضبط کرده اند.

**ب- اعضای بدن انسان؛** برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می کنند، بد کاران در روز قیامت سوگند دروغ می خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آن ها مهر خاموشی می زند و اعضا و جوارح آن ها به اذن خداوند شروع به سخن می کنند و علیه صاحب خود شهادت می دهند.

**اندیشه در آیات:**

حتی اذا ما جاؤها شهد عليهم سمعهم و ابصارهم و جلودهم.....

**۶- قضاوت بر معیار حق:** پس از آماده شدن صحنه ی قیامت و حضور شاهدان، اعمال، افکار و نیت های انسان ها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می شود. معیار و وسیله ی سنجش اعمال، حق است؛

یعنی، به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشمند و سنگین است، در غیر این صورت، سبک خواهد بود و وزنی نخواهد داشت و چون اعمال پیامبران و امامان عین حق و حقیقت است، معیار و میزان سنجش اعمال سایرین قرار می گیرد. هر چه عمل انسان ها به راه و روش آنان نزدیک تر باشد، ارزش افزون تری خواهد داشت.

**۷- دادن نامه اعمال:** نامه عمل نیکوکاران را به دست راست و نامه ی عمل بدکاران را به دست چپ آن ها می دهند. نامه ی عمل انسان با نامه های ثبت شده در دنیا تفاوتی اساسی دارد. نامه های این دنیا، صرفاً گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته درآمده اما نامه ی عمل انسان به گونه ای است که خود عمل و حقیقت

آن را دربردارد. از این رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می‌شوند و انسان عین اعمال خود را می‌بیند. کارهای خوب با صورت های بسیار زیبا و لذت بخش تجسم می‌یابند و کارهای بد با صورت های بسیار زشت و وحشت‌زا و آزاردهنده مجسم می‌شوند. از امام صادق (ع) پرسیدند: هنگامی که قیامت بر پا می‌شود و نامه‌ی اعمال انسان را به او می‌دهند و از او می‌خواهند که آن را بخواند، آیا او با آنچه در نامه هست، آشناست؟

در پاسخ فرمودند: خداوند متعال «به یاد او» می‌آورد؛ لذا هیچ چشم بر هم زدن و گام برداشتن و سخن و عملی نیست که به یاد نیاورد؛ چنان که گویی در همان لحظه انجام داده است.



## آیه اندیشه و تحقیق:

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ \* قَالُوا  
يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

**مرحله دوم قیامت - زنده شدن همه ی انسان ها -**

کافران پس از خروج از قبرها می گویند: ای وای بر ما چه کسی  
ما را از قبرهایمان برانگیخت؟ این وعده ی خدای رحمان است  
و پیامبران راست گفتند.

۱- از دقت در دو آیه‌ی شریفه‌ی «و اشرقَتِ الأرض بنور ربّها» و «و نُفِخَ فی الصّور فصعق من فی السّماواتِ و من فی الأرض» به ترتیب به نفخ صور..... و نفخ صور..... پی می‌بریم و «بروز واقعیت حوادث گذشته» پیام آیه‌ی..... است.

(سراسری هنر ۹۱)

۱) اوّل - دوم - نخستین

۲) دوم - اوّل - نخستین

۳) دوم - اوّل - دومین

۴) اوّل - دوم - دومین

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۲- آیات شریفه‌ی «فاذا هم قیام ینظرون» ، «و قضي بینهم بالحقّ و هم لا یظلمون» و «و اشرقّت الارض بنور ربّها» به ترتیب ناظر بر کدام نفخ صور می باشد؟ (سراسری ریاضی ۹۰)

(۱) اوّل - دوم - دوم

(۲) دوم - اوّل - اوّل

(۳) دوم - دوم - دوم

(۴) اوّل - اوّل - اوّل

گزینه‌ی «۳» صحیح است

۳- یکی از حقایق بر ملا شده در رستاخیز «ثبوت راست گویی پیامبران» در ابلاغ دعوت الهی است که این حقیقت، از توجه در آیه ی شریفه ی..... دریافت می گردد. (سراسری تجربی ۹۰)

(۱) «بلی قادرین علی أن نسوي بنانه»

(۲) «و الله الذي ارسل الّرياح فتثير سحاباً فسقناه»

(۳) «قل يحييها الذي انشأها اوّل مرّة و هو بكلّ خلقٍ عليم»

(۴) «قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرّحمان»

گزینه ی «۴» صحیح است

۴- از دقت در آیه شریفه «و نُفَخُ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» و آیه ی شریفه «فَإِذَا هُم قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» به ترتیب به سرنوشت پایانی انسان در نفخ صور.... و ..... متوجه می شویم که گفتار گروه ..... این است که می گویند:

(سراسری انسانی ۹۰)

(۱) دوم - دوم - نخستین - چه کسی ما را از قبر برانگیخت

(۲) اوّل - دوم - نخستین - چه کسی ما را از قبر برانگیخت

(۳) اوّل - اوّل - دوم - پیامبران در دعوت خود راستگو بودند

(۴) دوم - اوّل - دوم - پیامبران در دعوت خود راستگو بودند

گزینه ی «۱» صحیح است

- ۵- جمله‌ی «فاذا هم قیامٌ یَنظرون» مرتبط است با ..... و نورانی شدن زمین که ..... است، ..... وضع «کتاب» است. (سراسری هنر ۹۰)
- (۱) «ثُمَّ نَفِخُ فِيهِ أُخْرٰی»- روشنایی زمین پس از ظلمت فراگیر- مؤخر از
- (۲) «و نَفِخُ فِي الصُّور»- روشنایی زمین پس از ظلمت فراگیر- مؤخر از
- (۳) «و نَفِخُ فِي الصُّور»- بروز واقعیت حوادث گذشته بر زمین- مقدم بر
- (۴) «ثُمَّ نَفِخُ فِيهِ أُخْرٰی»- بروز واقعیت حوادث گذشته بر زمین- مقدم بر
- گزینه‌ی «۴» صحیح است

۶- مهر خاموشی بر دهان رستاخیزان آن گاه زده می شود که  
..... محقق شود که نتیجه اش گواهی و شهادت ..... است.

(سراسری زبان ۹۰)

(۱) توسل به سوگند به دروغ - اعضا و جوارح

(۲) توسل به سوگند به دروغ - شاهدان و گواهان

(۳) عدالت فراگیر الهی - اعضا و جوارح

(۴) عدالت فراگیر الهی - شاهدان و گواهان

گزینه ی «۱» صحیح است

۷- بدکاران در..... سوگند دروغ یاد می کنند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آن ها مهر خاموشی می زند چون ..... (سراسری فنی و حرفه ای ۹۰)

(۱) برزخ- اعضا و جوارح آن ها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می کنند و علیه آن ها شهادت می دهند.

(۲) قیامت- اعضا و جوارح آن ها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می کنند و علیه آن ها شهادت می دهند.

(۳) برزخ- فرشتگان در طول زندگی انسان ها همواره مراقب آن ها بوده و تمامی اعمال آن ها را ثبت و ضبط کرده اند.

(۴) قیامت- فرشتگان در طول زندگی انسان ها همواره مراقب آن ها بوده و تمامی اعمال آن ها را ثبت و ضبط کرده اند.

گزینه ی «۲» صحیح است



۸- آیهی شریفه‌ی «و نفخ فی الصّور فاذا هم من الاجداث الی

ربّهم ینسلون» موضوع ..... به دنبال نفخ صور..... است.

(سراسری تجربی ۸۹)

۱) برپا شدن دادگاه عدل الهی - دوم

۲) برپا شدن دادگاه عدل الهی - اوّل

۳) زنده شدن همه‌ی انسان ها - دوم

۴) زنده شدن همه‌ی انسان ها - اوّل

گزینه‌ی «۳» صحیح است

۹- آیه شریفه‌ی «منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم  
تارةً أُخری» موضوع ..... در نفخ صور ..... است.

(سراسری هنر ۸۹)

- ۱) زنده شدن همه‌ی انسان ها - اوّل
- ۲) زنده شدن همه‌ی انسان ها - دوم
- ۳) مدهوشی اهل آسمان و زمین - دوم
- ۴) مدهوشی اهل آسمان و زمین - اوّل

گزینه‌ی «۲» صحیح است

# دین و زندگی

جلسه چهارم

[www.3gaam.com](http://www.3gaam.com)

« درس نهم »

« فرجام کار (بهشت و جهنم) »

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ  
أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ  
آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِن  
حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ

۱- کافران گروه گروه (زُمرًا) به سوی جهنم رانده می شوند (سِیقَ)

۲- درهای جهنم باز می شود (۷ در) (فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا)

۳- اولین سخن نگهبانان جهنم : (أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ)

۴- جواب جهنمیان بله است (قَالُوا بَلَى)

زمینه ساز قبول نتیجه اعمال اختیاری در رستاخیز

۵- ظرف تحقق این آیات (جهنم قیامت = جهنم موعود و ابدی)

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ

❖ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَ

فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا

خَالِدِينَ

۱- این آیه درباره متقین است که گروه گروه (زُمَرًا) به سوی بهشت می روند

۲- درهای بهشت باز می شوند (۸ در) (وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا)

۳- عبارت سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ خطاب به متقین است

۴- ظرف تحقق این آیات (بهشت قیامت = بهشت موعود و ابدی)



وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَ أَوْثَرَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّءُ مِنْ  
الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

۱- متقین می گویند : (الْحَمْدُ لِلَّهِ)

۲- منظور از الْجَنَّةِ بهشت موعود است

۳- بهشت پاداش کسانی که در دنیا عمل کرده اند (فَنِعْمَ أَجْرُ

الْعَامِلِينَ)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

۱- درباره صفت عدل الهی است (ضرورت معاد در پرتو  
عدل الهی)

۲- این آیه اشاره به مرحله دوم قیامت یعنی قضاوت بر  
معیار حق دارد

۳- این آیه اشاره به تجسم اعمال دارد زیرا عین عمل خود  
را می بینند

پاسخ قطعی خداوند به گناهکاران این است که آیا در دنیا به اندازه‌ی کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می‌خواست به راه آید؟ ما می‌دانیم اگر به دنیا بازگردید همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.

آنان گاهی دیگران را مقصر می‌شمارند و می‌گویند: بزرگان ما و شیطان سبب گمراهی ما شدند. شیطان می‌گوید خدا به شما وعده‌ی راست داد و من به شما وعده‌ی دروغ دادم و من بر

شما تسلطی نداشتیم. من فقط شما را فرا خواندم و شما نیز این دعوت را پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید. به نگهبانان جهنم رو می آورند تا آنها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند ولی فرشتگان می گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آنها را نمی پذیرند و درخواستشان را بی جا می دانند.

بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند.  
یک در مخصوص پیامبران و صدّیقان و یک در مخصوص  
شهیدان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است. نگهبانان  
بهشت به آنان سلام می‌کنند و خوشامد می‌گویند و به آنان  
وعده می‌دهند که همیشه در این جایگاه نیکو، در امنیت و  
سلامت به سر خواهند برد. رستگاران، می‌گویند خدای را  
سپاس که به وعده‌ی خود وفا کرد و این جایگاه زیبا را به ما  
عطا کرد. هر جای آن که بخواهیم ساکن می‌شویم.

هر یک از بهشتیان در درجه ای خاص از بهشت قرار می گیرند.  
رسول خدا(ص) فرموده است: بالاترین درجه ی بهشت فردوس  
است و اگر چیزی از خدا می خواهید، فردوس را طلب کنید.  
بالاترین مرتبه ی نعمت های بهشت لقاء و دیدار اوست که اولیای  
خدا در طلب آن هستند و به شوق آن زندگی می کنند.  
برترین مقام بهشت مقام رضا و خرسندی است هم خداوند از  
ایشان راضی و هم وی از خدا رضایت دارد(رضوان)

## رابطه میان عمل و پاداش و کیفر :

۱- گاهی پاداش و کیفر بر اساس مجموعه‌ای از قراردادها تعیین می‌شود؛ ( قرار دادی = وضعی )

۲- پاداش و کیفری که محصول طبیعی خود عمل است؛  
این پاداش و کیفر محصول عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند با  
وضع قوانین، آن را تغییر دهند بلکه باید خود را با آن تطبیق  
دهند و با آگاهی کامل از آن سود برند و سعادت زندگی خویش  
را تامین کنند.

۳- نوع دیگری از رابطه‌ی میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق‌تر و کامل‌تر از این دو است. آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، صورت حقیقی اعمالی است که اکنون در این دنیا برای ما قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه‌ی مادی و ظاهری و یک جنبه‌ی باطنی و غیبی دارد. جنبه‌ی مادی و ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود، اما جنبه‌ی باطنی و غیبی از بین نمی‌رود و در نفس و روح باقی می‌ماند.



در واقع، هر عملی که از ما سر می‌زند، دو نقش دارد؛ نقشی در جان ما دارد و نقشی در خارج. نقش خارجی از بین می‌رود ولی نقشی که در جان ما دارد، باقی می‌ماند و از بین رفتنی نیست. از این رو، قرآن کریم می‌فرماید: وقتی قیامت فرا می‌رسد، انسان اعمال خود را حاضر می‌یابد و می‌شناسد، گرچه به اندازه‌ی ذره‌ای باشد.

تجسم اعمال = عین اعمال = صورت حقیقی اعمال = عدل الهی

بنابراین، در عرصه‌ی قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند.

بنابراین، فرشتگانی که کارنامه‌ی عمل انسان را تنظیم می‌کنند، حقیقت اعمال را ثبت و نگهداری می‌نمایند؛ نه این که گزارشی بنویسند و آن را در قیامت نشان دهند. و همان طور که امام صادق (ع) فرمود، همین عمل در دوره‌ی برزخ به صورت یک شخص بر انسان ظاهر می‌شود و انسان بدان آگاه می‌گردد.

از این رو، قرآن کریم خطاب به کسانی که زر و سیم می‌اندوزند  
و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، می‌فرماید که روزی با همین سیم  
و زرهای بر پشت‌ها و پهلوهایشان داغ می‌زنند و به آنها  
می‌گویند: بچشید آنچه را می‌اندوختید. فردی نیز که در دنیا از  
اموال کودکان یتیم غذا تهیه کرده و خورده است، این غذا در  
آخرت در شکم او آتش می‌شود و او را می‌سوزاند.

۱- به بیان نبی گرامی اسلام (ص)، هم نشین جدایی ناپذیر از انسان ..... او است که ثبت حقیقت آن به عهده‌ی ..... می‌باشد.

(سراسری خارج از کشور ۹۱)

(۱) عمل – فرشتگان

(۲) ایمان – فرشتگان

(۳) عمل – شاهدان

(۴) ایمان – شاهدان

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۲- پس از این که دوزخیان دچار عذاب شدند، ناله‌ی  
حسرتشان بر می‌خیزد و می‌گویند: (سراسری ریاضی ۹۱)

(۱) بزرگان ما و شیطان با وعده‌های دروغ سبب گمراهی ما  
شدند.

(۲) ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر خدا را اطاعت  
می‌کردیم.

(۳) پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم ،  
ما را مشمول عفو خود گردان.

(۴) ما را از این جا بیرون بر، اگر به دنیا بازگردیم عمل صالح  
انجام می‌دهیم.

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۳- عبارت « اگر به دنیا بازگردید همان شیوهی قبل را پیش می‌گیرید» در عالم ..... به ..... که گویا ..... می‌باشند، خطاب می‌شود.  
(سراسری تجربی ۹۱)

(۱) برزخ - نیکوکاران متنعم به نعمت - الحمد لله الذي صدقنا وعده و اورثنا الارض

(۲) قیامت - نیکوکاران متنعم به نعمت - الحمد لله الذي صدقنا وعده و اورثنا الارض

(۳) برزخ - بدکاران معذب به عقوبت - و لكن حقت كلمه العذاب علي الكافرين

(۴) قیامت - بدکاران معذب به عقوبت - و لكن حقت كلمه العذاب علي الكافرين  
گزینہی «۴» صحیح است

۴- «تغییر قوانین» و «تطبیق با قوانین» به ترتیب، مرتبط با کیفر و پاداش ..... و ..... می باشد و رعایت تناسب بین جرم و جریمه در کیفر ..... مطرح می شود.

(سراسری هنر ۹۱)

۱) قراردادی - طبیعی - قراردادی

۲) قراردادی - طبیعی - اخروی

۳) طبیعی - قراردادی - قراردادی

۴) طبیعی - قراردادی - اخروی

گزینه ی «۲» صحیح است

۵- آن جا که رضایت از سوی «عبد و معبود»، تحقق دارد  
..... بهشت رقم می خورد که بهشت ..... است.

(سراسری زبان ۹۱ با تغییر)

(۱) بالاترین درجه - رضوان

(۲) برترین مقام - رضوان

(۳) برترین مقام - فردوس

(۴) بالاترین درجه - فردوس

گزینه ی «۲» صحیح است



۶- رسول خدا (ص) فرمود: اگر از خدا چیزی می‌خواهید .....  
را طلب کنید که ..... بهشت است، صحبت مستمر بهشتیان با  
خدای خود ..... است. (سراسری خارج از کشور ۹۰)

۱) رضوان – بالاترین درجه‌ی – خدایا! تو پاک و منزهی

۲) فردوس – بالاترین درجه‌ی – خدایا! تو پاک و منزهی

۳) فردوس – برترین مقام بهشت – حمد و سپاس برای خداست

۴) رضوان – برترین مقام بهشت – حمد و سپاس برای خداست

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۷- با توجه به آیهی شریفه‌ی « الحمد لله الذي صدقنا وعده و اورثنا

الارض » سپاس گزاری ..... در عالم ..... نسبت به تحقق

وعده‌اش در وراثت زمین با ..... مفهوم می‌گردد.

(سراسری تجربی ۹۰)

(۱) پاکان - رستاخیز - ورود جاودانه به بهشت

(۲) متقین - رستاخیز - ورود جاودانه به بهشت

(۳) پاکان - دنیا - بر پایی عدل و داد با ظهور حجت خدا (عج)

(۴) متقین - دنیا - بر پایی عدل و داد با ظهور حجت خدا (عج)

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۸- آیه‌ی شریفه «الم یا تکم رسل منکم یتلون علیکم ءایات ربکم»، مربوط به عالم ..... است و خطابش به ..... است.  
(سراسری خارج از کشور ۸۹)

(۱) قیامت - بهشتیان

(۲) برزخ - بهشتیان

(۳) قیامت - جهنّمیان

(۴) برزخ - جهنّمیان

گزینه‌ی «۳» صحیح است

۹- کدام مورد، زمینه ساز قبول نتیجه جبری اعمال اختیاری  
در رستاخیز است؟

(سراسری ریاضی ۸۹)

(۱) « و سيق الذين اتقو ربهم إلى الجنة زمراً »

(۲) « افرايتم النار التي تورون »

(۳) « الم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم آيات ربكم »

(۴) « و قضي بينهم بالحق و هم لا يظلمون »

گزینه‌ی «۳» صحیح است

« درس دهم »

« اعتماد بر او = توکل »

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ  
لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي  
الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

۱- خطاب به پیامبر

۲- لازمه جذب مردم به دین حق، پرهیز از درشت خویی و سنگدلی است.

۳- صفت مهربانی و خوشرویی در پیامبر به سبب صفت رحمت الهی در وجود پیامبر نهاده شده بود.

۴- به پیامبر امر شد، که مردم را ببخشد و برایشان استغفار کند.

۵- به پیامبر امر شد، با آنان مشورت کند و هنگام عزم و تصمیم بر خدا توکل کند.

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ

بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

۱- باید بر خدایی توکل کرد:

الف- زنده‌ای است که نمی‌میرد (الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ).

ب- به گناهان بندگان آگاه است.

۲- توکل بر خدایی این چینی، باعث آرامش و امیدواری است.



وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ  
مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ  
ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ  
عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

اگر از بت پرستان سؤال کنند خالق آسمان ها و زمین

کیست؟ یقیناً می گویند خداوند

یعنی بت پرستان خالقیت خدا را قبول دارند

بلکه برای بتان ربوبیت قائل بودند (شرک در ربوبیت)

بتها توانایی دور کردن گزند و آسیب و یا رحمت را ندارند.

## حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند و سپردن نتیجه‌ی کارها به اوست. انسان متوکل خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود می‌یابد و در عین عمل به وظایف، امورش را به او واگذار می‌کند. او می‌داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد. زیرا خدای حکیمی که جهان را تدبیر و اداره می‌کند از هر کس نسبت به ما مهربان‌تر است. تکیه و اعتماد بر خدا به انسان آرامش می‌دهد و به آینده امیدوار می‌کند.

حضرت علی (ع) در یکی از دعا‌های خویش می گوید:

خداوندا تو با آنان که به تو بیش تر عشق می ورزند، بیش از دیگران  
انس می گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می کنند از  
خودشان آماده تری، اسرار ایشان را می دانی و بر اندیشه هایشان  
آگاهی و بر میزان بینش آنان دانایی.

در ادامه می گوید:

رازهایشان نزد تو آشکار و دل هایشان در حسرت دیدار تو داغدار.  
اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر  
مصیبت ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو  
دارند، چون می دانند سر رشته ی کارها به دست توست.

## تصمیم و توکل:

نوجوانی و جوانی دوران تصمیم‌های بزرگ است. هر چه عمر می‌گذرد و قوای انسان به سستی می‌گراید، توان انسان برای تصمیم‌های بزرگ نیز کاهش می‌یابد. جوان و نوجوان معمولاً آزاد از تمنّیات و وابستگی‌هاست. شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته‌های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در فکر تجملات زندگی باشد. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد، آرمان‌هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرو رفتن.

## دو نکته‌ی مهم:

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله‌ی «خدا یا، بر تو توکل می‌کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه‌گاه خود ببیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد. خداوند آینده‌هایی را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم در حالی که به ضرر ماست، یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم در حالی که به

نفع ماست. بنابراین شایسته است که با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم که هیچ قدرتی در جهان مانع چاره‌سازی خدا نیست.

امام صادق(ع) فرمود:

« خداوند به داود(ع) وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هر چه در آن هاست، علیه او برخیزند. »

**۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه‌ی**  
خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه‌ی خود را به کار  
گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب  
نماید و با عزم و اراده‌ی محکم برای رسیدن به مقصود تلاش  
کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد. زیرا  
توکل، جانشین تنبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک  
کننده و امید دهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و  
پشتکار است.



روزی، پیامبر اکرم (ص) به مردمی برخورد که اهل کار و فعّالیت نبودند. به آنان فرمود:

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند: ما توکل کنندگان بر خدا هستیم.

فرمودند: نه، بلکه شما سربار دیگران هستید.

گر توکل میکنی در کار کن      کشت کن پس تکیه بر جبار کن  
توکل کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در  
راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش، از ابزار و اسباب بهره  
جوید. زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و  
بی توجهی به حکمت و علم الهی است.

۱- با توجه به آیه شریفه ۵۸ سوره‌ی فرقان که می‌فرماید: «  
وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ  
خَبِيرًا» کسانی بر خدا توکل می‌کنند که ..... (سراسری ریاضی ۹۱)  
(۱) به صفات کمال خداوند، ایمان داشته باشند و از آلودن خویش  
به گناه، بر حذر باشند.

(۲) حیات را صفت ذات خدا بدانند و زبان به حمد و تسبیح او  
بگشایند و خود را در محضر او بیابند.

(۳) خدا را از هر عیبی منزّه بشمارند و او را در بر آوردن  
خواسته‌ها، قادر و توانا بدانند و تسبیح مستمرّ او را دنبال کنند.

(۴) ایمان به وحدانیّت خدا داشته باشند و حمد و ستایش او را  
وسیله‌ای برای دوری از گناهان قرار دهند. **گزینه‌ی «۲» صحیح است**

۲- با توجه به این سخن امام صادق (ع) که فرمود: «خداوند به داود (ع) وحی کرد: هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه آسمان‌ها و زمین و هرچه در آنها است، علیه او بر خیزند.» مفهوم می‌گردد که ..... خداوند ..... است و راهیابی با واسطه به نیازها و خواسته‌ها از مصادیق ..... خداوند است.

(سراسری تجربی - ۹۱)

(۱) ایمان به - یک امر قلبی - حکمت

(۲) توکل بر - یک امر قلبی - حکمت

(۳) توکل بر - گره‌گشای کار فروبسته‌ی انسان - رزاقیت

(۴) ایمان به - گره‌گشای کار فروبسته‌ی انسان - رزاقیت

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۳- آزادی از تمنیات و وابستگی‌ها و بر عکس، معمولاً به ترتیب مرتبط با دوران ..... و ..... است که به ترتیب، مرتبط با آرمان‌های ..... و ..... می باشد. (سراسری هنر ۹۱)

۱) جوانی - بزرگسالی - ماندن - رفتن

۲) بزرگسالی - جوانی - ماندن - رفتن

۳) بزرگسالی - جوانی - رفتن - ماندن

۴) جوانی - بزرگسالی - رفتن - ماندن

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۴- با توجه به آیه شریفه « وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ  
بَضْرًّا هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ  
قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ » موضوع نهایی مورد « اخبار »  
در آن ..... و نخستین پاسخ بت پرستان، اعلام ..... است.

(سراسری زبان ۹۰)

(۱) کفایت خداوند - خالقیت پروردگار

(۲) کفایت خداوند - ناتوانی بتان در دفع زیان

(۳) خالقیت خداوند - خالقیت پروردگار

(۴) خالقیت خداوند - ناتوانی بتان در دفع زیان

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۵- پیامبر گرامی اسلام (ص) متوکلان غیر فعال را ..... معرفی فرموده است و نتیجه‌ی توکل همان دست‌یابی به ..... به خداوند است.  
(سراسری هنر ۹۱)

۱) سربار - اطمینان و اعتماد

۲) ملعون - اطمینان و اعتماد

۳) سربار - محول کردن کارها

۴) ملعون - محول کردن کارها

گزینه‌ی «۱» صحیح است

**۶- قرآن کریم، مبنای توکل بر خداوند را در توانایی خداوند در خیر رسانی و دفع ناگواری‌ها می‌داند که از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی ..... مفهوم می‌گردد.**  
**(سراسری انسانی ۸۹)**

(۱) « وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ ذُنُوبَ عِبَادِهِ خَبِيرًا »

(۲) « وَشَارَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ »  
(۳) « فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ »

(۴) « إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ »  
**گزینه‌ی «۴» صحیح است**

۷- با توجه به آیه شریفه « قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ » مبنای کفایت خداوند در توکل بر او به ترتیب، کدام است؟  
(سراسری خارج از کشور ۸۸)

- ۱) خیر رسانی به متوکلان - دفع گزند از مؤمنان
  - ۲) دفع گزند از متوکلان - خیر رسانی به متوکلان
  - ۳) خیر رسانی به مؤمنان - دفع گزند از مؤمنان
  - ۴) دفع گزند از مؤمنان - خیر رسانی به متوکلان
- گزینه‌ی «۲» صحیح است



« درس یازدهم »

« دوستی با حق »

آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد.

خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا  
گستراند و فرمود:

« رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ »

« رحمتم هر چیزی را فرا گرفته است »

با همین اسم «رحمان» آدمیان را آفرید و به سعادت و  
کمال راهنمایی کرد.

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند. خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش روکنند. بدین گونه اسم «غفار» خود را به نمایش گذاشت.

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود

زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ  
وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ

۱- محبت به حق

۲- به میزانی که ایمانشان اوج می‌گیرد محبتش فزون‌تر و  
عمیق‌تر می‌شود

۳- با شعر ”الهی سینه‌ای ده آتش افروز ...“ ارتباط معنایی دارد.

۴- عشق و محبت الهی، افسردگی، خمودی و ... را از بین می‌برد.

۵- عشق و محبت الهی، نشاط، تحرک، شجاعت و ... می‌بخشد.

۶- عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد.

## نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه‌ی اصلی تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد، ریشه در دل‌بستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدم‌ها جهت می‌بخشد.

## آثار محبت به خدا

۱- **پیروی از خداوند:** نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه‌ی عدم صداقت در دوستی است.

در شعری منسوب به امام صادق آمده است:

خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی با او نمایی؟

به جان خودم این رفتاری شگفت است.

اگر دوستی‌ات راستین بود، اطاعتش می‌کردی؛

زیرا دوستدار، مطیع محبوب خود است.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ

ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۱- پیروی از خداوند

۲- لازمه دوست داشتن اطاعت کردن است

۳- اگر از خداوند اطاعت کند خدا او را دوست دارد و

گناهانش آمرزیده می شود.

برخی می‌گویند: قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد، اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست، آن چه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است.

این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند می‌فرماید اگر مرا دوست دارید و اگر محبت من در قلب شما قرار گرفته، شایسته است از دستورات من پیروی کنید.



امام صادق (ع) فرمود:

« مَا أَحَبَّ إِلَهُ مَنْ عَصَاهُ »

« کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او را دوست ندارد. »

امام سجاد (ع) در ابتدای یکی از مناجات‌های خود به خدا  
عرض می‌کند:

« خدایا! کیست که شیرینی دوستی با تو را چشیده باشد و  
غیر تو را طلب کند؟ »

آن گاه پس از مقداری راز و نیاز، می گوید:

«ای آرزوی دل مشتاقان

و ای نهایت آرمان دوستان

دوستی تو را از تو می خواهم

و دوستی هر که تو را دوست دارد

و دوستی هر کاری که مرا به تو نزدیک می کند.»

## ۲- دوستی با دوستان خدا:

وقتی محبت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبت همه‌ی کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند، در خود می‌یابد و به مقداری که این رنگ و نشان بیش‌تر و قوی‌تر باشد، علاقه و محبت فزون‌تر می‌شود. در منظومه‌ی عاشقان و دوستان الهی که برگرد کعبه‌ی وجود او حلقه زده‌اند، نزدیک‌ترین آنها، رسول خدا(ص) و اهل بیت ایشان (ع) هستند که مظهر تمام و کمال حق و جلوه‌ی زیبایی‌های اویند. هر کس این خانواده را بشناسد و با فضائل اخلاقی آنان آشنا گردد، عشق به آنان را در خود می‌یابد.

دو آیه مرتبط در دینی سال سوم درس هشتم

قل لا اسالکم ...

قل ما سالتکم ...

### ۳- بیزاری از دشمنان خدا:

عاشق روشنایی، از تاریکی می‌گریزد، دوستدار زندگی و بقا، از نیستی و نابودی متنفر است. دل‌بسته‌ی عدالت و آزادی و صداقت و وفا، از ظلم و استبداد و ریا و بی‌وفایی بیزار است و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هر چه ضدخدایی است، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ  
وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ

**۴- مبارزه با دشمنان خدا:** عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با زشتی‌ها، ستم و ستمگران بوده‌اند. همه‌ی پیامبران، از حضرت نوح (ع) و حضرت ابراهیم (ع) تا پیامبر اسلام (ص) زندگی خود را در مبارزه‌ی با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار فضیلت‌ها و کرامت‌ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد.

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ

جمله‌ی «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرگب از یک نفی و یک اثبات است: «**نه**» به هر چه غیرخدایی است و «**آری**» به خدای یگانه.

پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولّی (دوستی با خدا) و تبرّی (بیزاری از باطل) و به میزانی که دوستی با خدا عمیق‌تر باشد نفرت از باطل هم عمیق‌تر است.

امام خمینی «رحمه الله علیه» در پیام ارزشمندی، بعد از تبیین دقیق مرزهای دوستی و بیزاری می‌گوید: «مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت

نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.»

بر مبنای همین تحلیل، ایشان به مسلمانان جهان سفارش می‌کنند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.»

جملات امام خمینی (ره) با آیه «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ  
إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ» ارتباط معنایی دارد.



۱- هرگاه با حضرت امام خمینی (ره) هم فریاد شویم و بگوییم: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند» تسلیم و سرسپردگی خود را در برابر کدام آیه به ظهور رسانده‌ایم؟

(سراسری تجربی ۹۱)

(۱) ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مَغِيرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ  
(۲) قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ  
(۳) قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا  
گزینہی «۲» صحیح است

(۴) قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

۲- از دقت در کدام آیه به بُعد موجود « نه » در کلمه طیّبه

« لا اله الا الله » پی می‌بریم؟ (سراسری هنر ۹۱)

(۱) و من الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله

(۲) يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون

(۳) قد كانت لكم أسوة حسنة في إبراهيم والذين معه إذ قالوا لقومهم إنا

برآء منكم

(۴) واذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم

بنعمته إخواناً  
گزینه‌ی «۳» صحیح است

۳- پیام کدام آیه حاوی معنای «عاشق روشنایی از تاریکی می‌گریزد و دوستدار زندگی و بقا از نیستی و نابودی متنفر است» می‌باشد؟  
(سراسری زبان ۹۱)

(۱) و من الناس من يتخذ من دون الله انداداً يحبونهم كحب الله

(۲) لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حادّ الله ورسوله

(۳) قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة في القربى ومن يقترب حسنة نزد له

فيها حسناً

(۴) قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم

گزینہی «۲» صحیح است

۴- مفهوم «تبری» از بت پرستان و معبودانشان، به ترتیب از دقت در کدام آیه، دریافت می شود؟ تنها راه برطرف شدن خشم و دشمنی های ریشه دار برای الگو گیرندگان از حضرت ابراهیم (ع)، ..... است.  
(سراسری خارج از کشور ۹۰)

(۱) إنا برآء منكم ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم - اعتصام به حبل الله  
(۲) إنا برآء منكم ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم - ایمان به خدای واحد

(۳) لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حادّ الله - اعتصام به حبل الله

(۴) لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حادّ الله - ایمان به خدای واحد  
گزینہ ی «۲» صحیح است

۵- خدای بزرگ، آدمیان را به سعادت و کمال راهنمایی کرد تا .....  
خود را اعلام دارد و درهای بازگشت به سوی خود را باز نگه داشت  
تا ..... او اثبات گردد و به ترتیب، مفهوم ..... و ..... محقق شود.  
(سراسری انسانی ۹۰)

(۱) غفاریت - غفاریت - و رحمتی وسعت کلّ شیء - إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ  
التَّوَّابِينَ

(۲) رحمانیت - غفاریت - و رحمتی وسعت کلّ شیء - إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ  
التَّوَّابِينَ

(۳) رحمانیت - رحمانیت - إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ - و رحمتی  
وسعت کلّ شیء

(۴) غفاریت - رحمانیت - إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ - و رحمتی وسعت  
کلّ شیء  
گزینهی «۲» صحیح است

**۶- مبنای پیام امام خمینی (ره) که فرمود: «تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل نیست.» کدام دستور قرآنی است؟ (سراسری هنر ۹۰)**

- (۱) و من الناس من يتخذ من دون الله انداداً يحبونهم كحب الله
- (۲) واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمة الله عليكم
- (۳) قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم
- (۴) لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حادَّ الله ورسوله

**گزینہ ی «۴» صحیح است**

۷- خروج از خودمحوری و گزینش «ایثار» در پرتو ..... است که ثمره‌ی تبلور ..... در انسان است و آیه‌ی شریفه‌ی ..... حاکی از آن است.

(سراسری خارج از کشور ۸۹)

(۱) عشق و محبت - ایمان - قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم و الله غفور رحيم

(۲) ایمان - عشق و محبت - قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم و الله غفور رحيم

(۳) ایمان - عشق و محبت - و من الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله و الذين ءامنوا اشدّ حبا لله

(۴) عشق و محبت - ایمان - و من الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله و الذين ءامنوا اشدّ حبا لله گزینهای «۴» صحیح است

# دین و زندگی

جلسه پنجم

[www.3gaam.com](http://www.3gaam.com)



« درس دوازدهم »

« فضیلت آراستگی »

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.

۱- دیدگاه متعادل نسبت به نعمت‌های دنیوی و اخروی

۲- خداوند زینت‌های دنیا را حرام نکرده است

۳- زینت‌ها و روزی‌های پاک در آخرت اختصاص به خوبان

دارد

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ  
بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا  
عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

انسان را از گناهان ظاهری و باطنی (آشکار و پنهان) نهی  
کرده است نه زینت های دنیا را

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَ  
لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

۱- این آیه خطاب به همه‌ی انسان‌ها است

۲- خداوند، پوشش را برای دو هدف قرار داده است

الف) انسان را از ناپسندی حفظ می‌کند

ب) زینت و زیبایی می‌باشد

۳- کسی که لباس تقوا و پرهیزکاری را بر خود بپوشاند، خواهد

توانست پوشش ظاهری را مراعات کند.

آراستگی، شیوه پیشوایان دین

امام صادق (ع) می‌فرماید:

خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و از نپرداختن به  
خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می‌آید.

و نیز می‌فرماید:

دو رکعت نماز که با بوی خوش گذارده شود، بهتر از هفتاد  
رکعت نماز بدون بوی خوش است.

آراستگی، اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت‌ها ندارد. بلکه شامل زمان حضور در خانواده، و از آن مهم‌تر، زمان عبادت نیز می‌شود. استفاده از عطر، شانه زدن موها، پوشیدن لباس روشن و تمیز و پاک‌بودن تمامی بدن، از توصیه‌های مهم آنان هنگام عبادت است. تکرار دائمی نماز در شبانه روز، این آراستگی و پاکی را در طول روز حفظ می‌کند و زندگی را پاک و با صفا می‌سازد.

## تناسب میان ظاهر و باطن در آراستگی

ظاهر هر کس تجلی اندیشه و باور اوست و اندیشه ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می سازند و شکل می دهند.

از سوی دیگر، رفتارهای ظاهری نیز به تدریج بر باطن انسان تأثیر می گذارد و روحیه ی فرد را تغییر می دهد. شما می توانید نمونه های فراوانی بیابید که چگونه برخی اعمال، سبب تغییر اخلاق و حتی طرز تفکر افراد شده است.

برخی نیز برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسّل می‌شوند که « دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد! » اما خوب است آنان توجه کنند که دل پاک و باحیا و عفیف، ظاهر پاک و باعفاف را به دنبال می‌آورد و همان طور که گفته اند، « از کوزه همان برون تراود که در اوست. » مگر می‌شود که کسی حقیقتی را از صمیم قلب دوست داشته باشد، اما هر روز کاری بر ضد آن انجام دهد؟ **حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می‌رود.**



## عفاف، عزّتمندی و آراستگی

عفاف یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می‌شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله‌ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اجازه ندهد ناپاکان از او سوء استفاده کنند. به همان اندازه که رشته‌های عفاف در روح انسان ضعیف می‌شود، نوع آراستگی به خصوص آراستگی در پوشش تغییر می‌کند و پوشش جنبه‌ی خودنمایی به خود می‌گیرد. اما هر اندازه که این رشته مستحکم شود، پوشش و آراستگی ظاهری جلوه‌گاه زیبایی‌های روح و شخصیت متعالی انسان می‌گردد.

بر همین مناست که امام صادق (ع) می‌فرماید:

لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه‌ی  
سستی و ضعف دین است.

امام علی (ع) نیز می‌فرماید:

بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به  
جنگ با خدا برخیزی.

احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی‌های درونی وی می‌باشند و  
همچون سایه‌ی رحمت الهی، آرامش بخش کانون گرم خانواده  
است، بازبایی ظاهر او عجین شده است.

عرضه‌ی نا بجای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، «عفت» و «حیا» را از بین می‌برد و این دو گوهر مقدس را از او می‌گیرد. «عزت» در مقابل حقارت و ذلت قرار دارد. انسان عزیز در خود عظمت و صلابتی می‌یابد که موجب می‌شود حقارت و پستی را نپذیرد و تن به شکست و زبونی ندهد. بزرگ‌ترین شکست نیز شکست روحی و معنوی است. چه بسا انسان‌هایی در جنگ ظاهری شکست بخورند اما روح بلندشان پیروز و عزیز باقی بماند.

برخی از نیازها در دوره‌ی نوجوانی و جوانی، بیش‌تر خود را نشان می‌دهد که در این میان می‌توان از نیاز به توجه و تحسین دیگران و مقبولیت نام برد.

اندیشه و تحقیق:

دو مظهر عفاف در قرآن کریم :

حضرت یوسف (ع)

حضرت مریم (س)

آیات مربوط به جلوه‌های عفت و پاکدامنی حضرت مریم (س)  
قالت انی اعودُ بالرحمانِ منک ان کنت تقیّاً ....  
و لم یمسّسنی بشرٌ و لم اکُ بغیّاً ....

آیات مربوط به جلوه‌های عفت و پاکدامنی حضرت یوسف (ع)  
قال معاذ الله ...

کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء انه من عبادنا  
المخلصین ...

ذلک لیعلم انی لم اخنه بالغیب ...

۱- اگر گفته شود: «حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می‌رود» بر صحت کدام مورد مهر تأیید زده شده است؟  
(سراسری خارج از کشور ۹۱)

(۱) ظاهر و باطن، دو ماهیت تأثیرگذار بر یک‌دیگرند و بین آن دو تناسب حاکم است.

(۲) رفتارهای ظاهری به تدریج بر باطن انسان تأثیر می‌گذارد و روحیه‌ی فرد را تغییر می‌دهد.

(۳) توجه به زیبایی ظاهر که شیوه‌ی پیشوایان دینی در هر زمان است، دلیل تقدّم ظاهر بر باطن است.

(۴) ظاهر هر کس تجلی اندیشه و باور اوست و اندیشه‌ها، اخلاق و روحيات، اعمال و ظواهر را می‌سازند. **گزینه‌ی «۴» صحیح است**

۲- حضرت یوسف (ع) که در قرآن، یکی از مظاهر برجسته‌ی عفاف معرفی شده است، آیه شریفه‌ی ..... حکایت‌گر این ارزش والای او است.  
(سراسری ریاضی ۹۱)

(۱) قال معاذ الله انه ربي أحسن مثوای انه لا یفلح الظالمون

(۲) أرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

(۳) و قال الذي اشتراه من مصر لامرأته أكرمي مثواه عسی أن ینفعنا

(۴) و ما ابري نفسي ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربي

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۳- حضرت مریم (س) که در قرآن، یکی از مظاهر برجسته‌ی عفاف معرفی شده است، آیه شریفه‌ی ..... حکایت‌گر از این ارزش والای او است.  
(سراسری انسانی ۹۱)

(۱) فاتت به قومها تحمله قالوا یا مریم لقد جئت شیئا فریّا

(۲) یا اخت هارون ما کان ابوک امرء سوء و ما کانت امک بغیا

(۳) فاجاها المخاض الی جذع النخلة قالت یالیتنی مت قبل هذا و

کنت نسیا منسیّا

(۴) فکلی و اشربی و قری عینا فاما ترین من البشر أحدا فقولي انی

نذرت للرحمن صوما  
گزینه‌ی «۳» صحیح است



۴- ضرب المثل « از کوزه همان برون تراود که در اوست » بیانگر ..... است و امام صادق (ع) در همین رابطه می‌فرماید: «لباس نازک و بدن نما نپوشید. زیرا چنین لباسی نشانه‌ی ..... است.»  
(سراسری ریاضی ۹۰)

۱) دو بُعدی بودن وجود انسان – سستی و ضعف دین

۲) تناسب میان ظاهر و باطن – حقارت و کوچکی انسان

۳) دو بُعدی بودن وجود انسان – حقارت و کوچکی انسان

۴) تناسب میان ظاهر و باطن – سستی و ضعف دین

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۵- از سفارش و توصیه‌ی پیشوایان دین به رعایت آراستگی به  
تأثیر ..... در ..... پی می‌بریم که ..... تجلّی‌گاه ..... است.

(سراسری تجربی ۹۰)

۱) ظاهر - باطن - باطن - ظاهر

۲) باطن - ظاهر - باطن - ظاهر

۳) ظاهر - باطن - ظاهر - باطن

۴) باطن - ظاهر - ظاهر - باطن

گزینه‌ی «۳» صحیح است

۶- سدّ سوء استفاده‌ی ناپاکان از آراستگی ظاهری ..... نام دارد و عامل فرار از شکست و زبونی، ..... می‌باشد.

(سراسری انسانی ۹۰)

(۱) عزّت - عزّت نفس

(۲) عزّت - عفت و حیا

(۳) عفاف - عفت و حیا

(۴) عفاف - عزّت نفس

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۷- اگر گفته شود: « حقیقت این است که دل به هر جا رود، عمل هم به همان جا می‌رود » پیام این عبارت، پاسخی بر .... و .... می‌باشد.

(سراسری زبان ۹۰)

(۱) انسان‌های ریا کار – خوش ظاهران بد باطن

(۲) خوش باطنان بد ظاهر – مدعیان پاکی دل بی توجه به ظاهر

(۳) خوش باطنان بد ظاهر – خوش ظاهران بد باطن

(۴) انسان‌های ریا کار – مدعیان پاکی دل بی توجه به ظاهر

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۸- عفاف یک ..... است و حضرت علی (ع) در این باره فرمودند:  
(سراسری خارج از کشور ۸۹)

(۱) حالت روحی و فضیلت اخلاقی - بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

(۲) خصلت و فضیلتی برای زنان - بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

(۳) حالت روحی و فضیلت اخلاقی - لباس نازک و بدن نما نپوشید، زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف دین است.

(۴) خصلت و فضیلتی برای زنان - لباس نازک و بدن نما نپوشید، زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف دین است.

گزینه‌ی «۱» صحیح است

« درس سیزدهم »

« زیبایی عفاف »

پوشش مناسب، از نشانه‌های «عفاف» و «عزت نفس» است به گونه‌ای که از نوع پوشش هر کس می‌توان میزان توجه وی به این دو ارزش انسانی را دریافت.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ  
أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

۱- خطاب مردان

۲- کنترل چشم مردان

۳- پاکدامنی مردان

۴- علم خداوند به افعال موجودات

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ

۱- خطاب زنان

۲- کنترل چشم زنان

۳- پاکدامنی زنان

۴- جلوه گری زنان ممنوع است (حرمت جلوه گری)

۵- استثناء در پوشش (صورت و دستها تا مچ)

۶- وجوب حجاب = آیه حجاب



يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

۱- میان همسران و دختران و زنان خویشان در احکام الهی تفاوتی نیست

۲- امر به معروف را از نزدیکان شروع کنیم

۳- آیه حجاب (يُدْنِينَ) علت حجاب

۴- نتیجه حجاب (الف) به پاکی شناخته شوند  
(ب) مورد اذیت قرار نمی گیرند

آیا در قرآن کریم در باره‌ی عفاف و حجاب دستور خاصی وجود دارد؟

خدای متعال، در قرآن کریم هم برای مردان و هم برای زنان وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است، که عبارتند از:

**(الف)** وظیفه‌ی مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کرده و دامن خود را از گناه نگه دارند.

با رعایت این مسئولیت از جانب مردان، بخش قابل توجهی از سلامت جامعه تأمین می‌شود.

اما اگر مردی، پاکی و تقوا نداشته باشد و با نگاه خود نامحرم را  
زیر نظر بگیرد، مقدمات گناهان بزرگ تر را فراهم می کند و  
نمی تواند خود را از لغزش حفظ نماید.

به همین جهت رسول خدا (ص) می فرماید:

« نگاه به نامحرم تیری زهر آلود از ناحیه شیطان است، هر کس به  
پاس حرمت الهی آن را ترک کند، خدا ایمانی به او می دهد که  
شیرینی آن را دل احساس می نماید.»

**ب)** زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامن خود را از گناه حفظ نمایند.

**ج)** استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

**د)** زنان باید حجاب خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آن‌ها را هم بپوشاند.

علاوه بر قرآن کریم، پیشوایان ما، حدود حجاب را مشخص کرده و رعایت آن را از ما خواسته‌اند.

امام کاظم (ع) در جواب برادرش که پرسید: دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟

فرمود: **چهره و دست تا مچ**

یکی از یاران امام صادق (ع) به نام فضیل بن یسار می گوید از ایشان پرسیدم: آیا ساعد زن از قسمت هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟

فرمود: **بلی، آنچه زیر روسری قرار می گیرد نباید آشکار شود، همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود.**

هم چنین از قرآن کریم به دست می آوریم که:

۱- زنان مسلمان از همان ابتدا موی سر خود را می پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند. لذا خداوند به آنان دستور می دهد روسری ها و پوشش هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود.

۲- این پوشش سبب می شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی بند و بار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه ی تعرض به او را ندهند.

آیا اسلام نحوه و شکل پوشش را معین کرده است؟  
چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی به آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام بستگی دارد. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت نما کند یا وسیله‌ی جلب توجه زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظفند که دو شرط زیر را رعایت کنند:

۱- تمام بدن خود را، به جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲- پوشش آنان نباید چسبان و تحریک کننده باشد.

این وظیفه الهی، مانند هر عمل دیگری، هر چه کامل‌تر و دقیق‌تر انجام شود، نزد خدا با ارزش‌تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند.



## چه زنانی، محرم مردان هستند؟

بنابر آیات قرآن کریم و روایات معصومین، محارم مردان عبارتند از:

**الف: محارم نسبی** که به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند:

۱- مادر و مادر بزرگ      ۲- خواهر و بچه‌ها و نوه‌های خواهر

۳- دختر و نوه‌های دختر      ۴- دختر برادر و نوه‌های او

۵- عمه و عمه‌ی پدر و مادر      ۶- خاله و خاله پدر و مادر

۷- نوه‌های دختری پسر

**ب: محارم سببی** که به سبب ازدواج محرم می‌شوند:

۱- زن (همسر)      ۲- مادر زن و مادر بزرگ او      ۳- زن پسر (عروس)

## چه مردانی، محرم زنان هستند؟

بنابر آیات قرآن کریم و روایات معصومین، محارم زنان عبارتند از:

**الف: محارم نسبی** که به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند:

۱- پدر و پدر بزرگ      ۲- برادر و بچه‌ها و نوه‌های برادر

۳- پسر و نوه‌های پسر      ۴- پسر خواهر و نوه‌های او

۵- عمو و عموی پدر و مادر      ۶- دایی و دایی پدر و مادر

۷- نوه‌های پسری دختر

**ب: محارم سببی** که به سبب ازدواج محرم می‌شوند:

۱- شوهر      ۲- پدر شوهر و پدر بزرگ او      ۳- شوهر دختر

**توجه:** مرد نمی‌تواند با خواهر زن، تا وقتی که خواهر دیگر، همسر اوست، ازدواج کند. اما باید نسبت به یکدیگر احکام حجاب را رعایت کنند.

### چرا میان پوشش زنان و مردان تفاوت وجود دارد؟

انسان در مقابل هر نعمت و موهبتی که از جانب خدا به او می‌رسد، مسئولیت‌هایی دارد، که از جمله‌ی آن‌ها:

۱- حفظ و نگهداری آن نعمت،

۲- بهره‌برداری از آن نعمت در جهت رشد و کمال است.

خداوند زنان را بیش از مردان از نعمت زیبایی بهره‌مند کرده و همین نعمت را پشتوانه‌ی مهمی برای ازدواج زن و مرد و تحکیم خانواده قرار داده است. زن به شکرانه‌ی این نعمت، باید اولاً در حفظ زیبایی و طراوت خود بکوشد، ثانیاً از این نعمت برای استحکام بنیان خانواده بهره ببرد.

این مسئولیت‌ها زمینه ساز منشأ تفاوت پوشش زنان و مردان است. به میزانی که پوشش یک زن از حدود اسلامی فاصله می‌گیرد، به همان میزان، آن مسئولیت‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرند. البته فایده و ثمره‌ی این وظیفه و مسئولیت‌ها مانند سایر مسئولیت‌ها، ابتدا به خود زن و سپس به جامعه می‌رسد.

## آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می گردد؟

حفظ موهبت‌ها و نعمت‌های خدادادی نه تنها سلب آزادی تلقی نمی‌شود بلکه به معنای بهره‌مندی مطلوب و درست از آنهاست. پوشش زنان نیز، نه تنها آزادی و حضور مؤثر آنان در جامعه را سلب نمی‌کند بلکه بنا به فرموده‌ی قران کریم، فعالیت‌های مؤثر، مفید و بدون زیان آنان را ممکن می‌سازد، سلامت اخلاقی جامعه را بالا می‌برد، حریم و حرمت زن را حفظ می‌کند و آرامش روانی او را افزایش می‌دهد.

۱- « نحوه و شکل پوشش » برخاسته از ..... و تعیین کننده عیار «عفاف و عزّت» انسان ها ..... است و احساس شیرینی ایمان در دل به بیان پیامبر گرامی اسلام(ص) در گرو ..... است.

(سراسری زبان ۹۱)

۱) آداب و رسوم جوامع - پوشش مناسب - کنترل نگاه به نامحرمان

۲) فطرت - پوشش مناسب - کنترل نگاه به نامحرمان

۳) آداب و رسوم جوامع - ایمان درون - برخورداری از عفاف

۴) فطرت - ایمان درون - برخورداری از عفاف

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۲- دوری از تعرض، از سوی اسیران در چنگال رسوایی آور هوی و هوس، از دقت در کدام آیه مفهوم می‌گردد؟  
(سراسری خارج از کشور ۸۹)

(۱) قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ذلك ازکی لهم  
ان الله خبير بما يصنعون

(۲) و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن و لا يبدین  
زینتهن إلا ما ظهر منها

(۳) و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ و لا یدین زینتهنّ الا لبعولتهنّ او  
آبائهنّ او آباء بعولتهنّ او ابنائهنّ

(۴) یا ایها النبی قل لا زواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من  
جلا بیهن، ذلك ادنی ان يعرفن فلا یوذین **گزینه‌ی «۴» صحیح است**

۳- کدام آیه به «عَلَّتْ پوشش» اشاره دارد؟

(سراسری انسانی ۸۸)

(۱) و قل للمؤمنات يغضضن من أبصارهن و يحفظن فروجهنّ

(۲) و لا يبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

(۳) قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلك ازکی لهم

ان الله خیر بما یصنعون

(۴) یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من

جلا بیهن، ذلك ادنی ان یعرفن فلا یوذین  
گزینہی «۴» صحیح است



۴- از دقت در آیهی شریفه‌ی « یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن » کدام مفهوم مستفاد می‌شود؟  
(سراسری خارج از کشور ۸۶)

(۱) زنان مسلمان، با الگو گیری از همسران پیامبر، با حجاب آشنا شدند.  
(۲) زنان مسلمان، حجاب را رعایت می‌کردند ولی حدود آن را نمی‌دانستند.

(۳) زنان مسلمان، احکام حجاب را با تبعیت از وحی خداوند، آموختند.  
(۴) زنان مسلمان، حجاب را رعایت نمی‌کردند و حدود آن را هم نمی‌دانستند.  
گزینه‌ی «۲» صحیح است

۵- کدام مورد به عنوان تیری زهرآلود از ناحیه‌ی شیطان معرفی شده و آثار ترک آن از ترس خدا کدام است؟

(سراسری ریاضی و جامع علمی کاربردی ۸۶)

(۱) ارضای غرایز جنسی - خداوند به او ایمانی می‌دهد که شیرینی‌اش را در دل احساس می‌نماید.

(۲) نگاه به نامحرم - خداوند به او توفیق مهار نفس و کنترل نگاه عنایت می‌فرماید.

(۳) ارضای غرایز جنسی - خداوند به او توفیق مهار نفس و کنترل نگاه عنایت می‌فرماید.

(۴) نگاه به نامحرم - خداوند به او ایمانی می‌دهد که شیرینی‌اش را در دل احساس می‌نماید.  
گزینه‌ی «۴» صحیح است

۶- کدام یک از بستگان برای مردان محرم اند؟

(سراسری تجربی ۸۶)

۱) خواهر زن - دختر زن - خاله‌ی پدر

۲) زن پدر - زن برادر - خاله‌ی مادر

۳) زن پدر - دختر زن - خاله‌ی پدر

۴) خواهر زن - زن برادر - خاله‌ی مادر

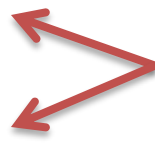
گزینه‌ی «۳» صحیح است

« درس چهاردهم »

« نظارت همگانی »

« امر به معروف و نهی از منکر »

روزی رسول خدا- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - به یارانش  
فرمود: «مردمِ یک جامعه مانند سرنشینان کشتی اند. اگر  
کسی جایی را که نشسته، به بهانه‌ی این که جای خودش  
است سوراخ کند، نه تنها خودش بلکه همه را غرق خواهد  
کرد».

علت این تشبیه  هدف واحد  
مسئولیت مشترک

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ ۱- وجوب وحدت

جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۲- منظور از حَبْلِ اللَّهِ همان

دین خداست.

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْنَا ← بعد از اسلام

إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ ← قبل از اسلام

فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ ← بعد از اسلام

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ← بعد از اسلام

وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ ← قبل از اسلام

فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ← بعد از اسلام

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ بیان آیات الهی زمینه ساز هدایت است

وجوب امر به معروف و نهی از منکر

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ

يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ      پیشگیری  
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ      درمان  
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ      درمان  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

پیشگیری بهتر از درمان است



وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ  
يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ  
وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

زن و مرد هر دو در اصلاح جامعه باید حضور داشته باشند.

تعبیر «أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ» به گروهی بر می گردد که  
ویژگی های یک فرد مومن را داشته باشند.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ  
الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...

بهترین امت (یک جامعه‌ی نمونه) تعبیری است که قرآن  
بکار برده برای جامعه‌ای که ایمان به خدا داشته باشد و امر  
به معروف و نهی از منکر می‌کند.

خَيْرَ أُمَّةٍ = أُمَّةٍ وَسط (درس ۹ پیش)

## دعوت به خیر و نیکی

دعوت به خیر و نیکی قبل از امر به معروف است. این دعوت برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی‌هاست تا میدان بر بدی‌ها تنگ شود و تمایل به سوی آن‌ها کاهش یابد. این دعوت، هم سلامت جامعه را دوام می‌بخشد و هم به تعالی آن کمک می‌کند و هم به عنوان پیش‌گیری، مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را که همان وظیفه‌ی دوم است، کم می‌کند.

بهترین و موثرترین روش دعوت نیز روش عملی است؛

چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید:

«دعوت کننده‌ی مردم باشید اما نه با زبان، بلکه با

پارسایی، تلاش، نماز و نیکی، که این رفتارها خود دعوت

کننده هستند.»

## امر به معروف و نهی از منکر

در احکام دین، به واجبات و مستحبات «معروف» و به محرّمات و مکروهات «مُنکر» گفته می‌شود. با این که دعوت به خوبی‌ها و نیکی‌ها، گرایش به آن‌ها را در مردم افزایش می‌دهد و زمینه‌های گناه را کم می‌کند، اما همواره افرادی هستند که از فرمان‌های الهی سرپیچی می‌کنند و مرتکب گناه می‌شوند؛ یعنی واجبات را ترک می‌کنند و محرّمات را انجام می‌دهند.

به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان‌ها و تاثیرپذیری  
فراوانی که از یکدیگر دارند، در صورتی که در مقابل  
گناهکار اقدام مناسب نشود، رفتار او مانند یک بیماری  
م سری به دیگران سرایت می‌کند.

این اقدام مناسب همان « نظارت همگانی » است که به  
صورت « امر به معروف و نهی از منکر » در جامعه‌ی اسلامی  
به اجرا در می‌آید.

این وظیفه آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین (ع) هدف از قیام و شهادت خود و یارانش را احیای آن دانست. حضرت علی (ع) در وصیت خود به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که در واقع وصیتی به همگان است، می فرماید:

« امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می شوند و آن گاه هر چه دعا کنید به اجابت نرسد. »

امام باقر (ع) می‌فرماید :

« امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ی بزرگ الهی است  
که همه‌ی واجبات با آن برپا می‌شود و به وسیله‌ی آن  
امنیت برقرار می‌گردد، کسب و کار مردم حلال و حقوق  
افراد تأمین می‌شود و در سایه‌ی آن آبادانی می‌آید و از  
دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها رو به راه می‌گردد.»



قوم بنی اسرائیل، هم در زمان حضرت داود(ع) و هم در  
عصر حضرت عیسی(ع) راه نافرمانی از خدا را پیش گرفتند  
و چنان در گناه غرق شدند که مورد لعن این پیامبران  
بزرگ واقع شدند. امام صادق(ع) درباره‌ی آنان می‌فرماید:  
گروهی از اینان هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند اما  
هنگامی که آن‌ها را ملاقات می‌کردند، به روی آن‌ها می‌خندیدند  
و با آنان مأنوس می‌شدند. (یعنی نهی از منکر نمی‌کردند)

از طرف دیگر، اگر کسانی امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند، در خیر و خوبی‌های جامعه شریک می‌شوند و خداوند به خاطر آن خوبی‌ها هم به آنان پاداش می‌دهد.  
رسول خدا(ص) می‌فرماید:

« هر کس به کار نیکی امر یا از کار بدی باز دارد یا مردم را به خیر راهنمایی کند یا به نحوی موجبات تشویق آن‌ها را فراهم سازد، در آن عمل خیر سهیم و شریک است و همچنین، هر کس امر به کار بد کند یا دیگران را بدان راهنمایی و تشویق نماید، او نیز در آن بدی شریک است.»

اهمیت این وظیفه تا آن جاست که امام علی(ع)  
می‌فرماید:

« تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به  
معروف و نهی از منکر چون قطره‌ی آبی است در برابر  
دریای پهناور.»

## احکام امر به معروف و نهی از منکر

این احکام عبارتند از :

### الف- شرایط انجام امر به معروف و نهی از منکر

کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند،  
باید:

۱- بداند چیزی را که شخص ترک کرده و انجام نداده، از  
واجبات است و یا آنچه را انجام داده، از محرمات است.

۲- بداند که شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد. پس اگر نداند یا گمان کند یا احتمال بدهد که تکرار نمی‌کند، امر به معروف یا نهی از منکر واجب نیست.

۳- احتمال بدهد که فلان روش برای امر و نهی او موثر واقع می‌شود و اگر بداند که با تغییر روش، امر و نهی او موثر واقع می‌شود، باید سعی کند روش خود را تغییر دهد تا امر به معروف و نهی از منکر دارای تأثیر باشد. مثلاً اگر

توضیح دادن مؤثر نبود، می‌توان روش را عوض کرد. مثلاً کتاب مناسب معرفی کرد یا از فردی که با اطلاع‌تر است کمک گرفت.

۴- بداند که در امر و نهی او مفسده‌ای نیست. پس اگر بداند یا احتمال بدهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه دارد، باید روش دیگری پیش گیرد.

**توجه:** اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن کریم یا احکام ضروری دین، باید اهمیت آن را جدی تلقی کنیم و خطرات آن را تحمل کنیم و ضررهای آن را بپذیریم. امام حسین - علیه السلام - و یارانش برای حفظ اسلام و از بین بردن ظلم و فساد بنی امیه جان خود را فدا کردند و آن مصیبت بزرگ را تحمل نمودند.

ب- مراحل امر به معروف و نهی از منکر (مراتب)

**مرحله‌ی اوّل:** با شخص گناهکار طوری رفتار شود که بفهمد این رفتار به خاطر گناه او بوده است؛ مانند این که از او روی بگردانیم یا به او اخم کنیم.

**مرحله‌ی دوم:** با زبان، او را امر یا نهی کنیم و اگر احتمال می‌دهیم با موعظه و نصیحت از گناه دست برمی‌دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم. در موعظه و نصیحت می‌توان از



شیوه های مختلف تربیتی و استدلال و منطق بهره برد تا  
میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و شخص گناهکار به عواقب و  
نتایج عمل خود بهتر پی ببرد.

**مرحله ی سوم:** او را از انجام حرام باز داریم یا به واجب وادار  
کنیم. این مرحله برای زمانی است که بدانیم راه دیگری وجود  
ندارد. البته انجام این مرحله در جامعه، در حوزه ی  
مسئولیت های حاکم اسلامی و مشروط به اجازه ی اوست.

## ج- توصیه های مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر

انتخاب روش های درست برای انجام امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است. زیرا اگر این وظیفه به روش درست انجام نگیرد، نتیجهی معکوس دارد به طوری که گاهی سبب می شود فرد گناهکار بر گناه خود اصرار بورزد و اخوت اسلامی از بین برود؛

از این رو، امام خمینی - رحمه الله علیه - توصیه می کند که :

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، موظف است:

۱- در انجام آن، مرتکب گناهی - مانند دروغ، توهین و تحقیر - نشود.

۲- مانند طبیعی مهربان رفتار کند.

۳- مصلحت مخاطب را رعایت کند.

۴- از خودخواهی و خودستایی پرهیزد.

۵- قصدش تنها رضای خدا باشد.

۶- خود را منزّه از گناه و برتر از گناهکار نبیند.

۷- اگر بداند و یا احتمال دهد که امر به معروف و نهی از

منکر با تکرار، مؤثر واقع می‌شود، باید آن را تکرار کند.

۱- در میدان « عمل به نظارت همگانی، آن جا که نافرمانان متجاوز از حدود به استمرار سرپیچی ها اصرار دارند » پرداختن به وظیفه‌ی ..... که پیام آیه‌ی شریفه‌ی ..... می باشد، وجوب خود را اعلام می دارد تا به بیان امام علی (ع) ..... .

( سراسری خارج از کشور ۹۱ )

۱) نخستین - ( و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر ) - راه اجابت دعاها مفتوح بماند

۲) دومین - ( و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر ) - راه اجابت دعاها مفتوح بماند

۳) دومین - ( و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر ) - همه واجبات برپا شود

۴) نخستین - ( و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر ) - همه واجبات برپا شود

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۲- « علم به واجبات و محرمات » ، « توجه به میزان و اهمیت واجبات و محرمات » و « اکتفا به موعظه و نصیحت » و « تنها به قصد و رضای خدای متعال » به انجام نظارت همگانی پرداختن به ترتیب بیانگر کدام یک از احکام عمل به این فریضه‌ی الهی است؟  
( سراسرس هنر ۹۱ )

۱) شرایط - شرایط - مراحل - روش‌ها

۲) مراحل - شرایط - روش‌ها - مراحل

۳) شرایط - روش‌ها - مراحل - روش‌ها

۴) مراحل - روش‌ها - شرایط - مراحل

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۳- مورد لعن پیامبران قرار گرفتن قوم بنی اسرائیل به بیان امام صادق (ع) ، معلول ..... و ..... بوده است.

( سراسری خارج از کشور ۹۰ )

۱) انس ورزیدن با گناه کاران - همگانی بودن گناه در بین آنان  
۲) انس ورزیدن با گناه کاران - صحّه گذاشتن بر زشت کاری‌های آنان

۳) شرکت داشتن در کارهای زشت مفسدان - صحّه گذاشتن بر زشت کاری‌های آنان

۴) شرکت داشتن در کارهای زشت مفسدان - همگانی بودن گناه در بین آنان  
گزینه‌ی «۲» صحیح است

۴- راه رستگاری و سربلندی جامعه اسلامی در گرو انجام دو  
وظیفه‌ی مهم از سوی مسلمانان است که به ترتیب از دقت در  
آیه‌ی ..... و ..... به دست می‌آید و مستجاب نشدن دعاها  
بازتاب ترک ..... می‌باشد. ( سراسری تجربی ۹۰ )



- (۱) ( و یامرون بالمعروف و ينهون عن المنکر ) - ( و لتکن منکم امة  
یدعون الی الخیر ) - امر به معروف و نهی از منکر
- (۲) ( و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر ) - ( و یامرون بالمعروف و  
ینهون عن المنکر ) - دعوت به خیر و نیکی
- (۳) ( و یامرون بالمعروف و ينهون عن المنکر ) - ( و لتکن منکم  
امة یدعون الی الخیر ) - دعوت به خیر و نیکی
- (۴) ( و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر ) - ( و یامرون بالمعروف و  
ینهون عن المنکر ) - امر به معروف و نهی از منکر
- گزینہ ی «۴» صحیح است

۵- دریافت نتیجه‌ی معکوس در امر به معروف و نهی از منکر از عدم آشنایی به ..... این فریضه‌ی الهی است که آشنایی با شیوه‌های مختلف تربیتی و استدلال و منطق به منظور افزایش تأثیرگذاری از ..... و قبول شهادت امام حسین (ع) و یاران باوفایش از ..... امر به معروف و نهی از منکر است.

( سراسری هنر ۹۰ )

(۱) شرایط - مراحل - روش‌ها

(۲) روش‌ها - مراحل - شرایط

(۳) مراحل - شرایط - مراحل

(۴) شرایط - شرایط - مراحل

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۶- به بیان امام صادق (ع) ..... موجب می‌گردد که انسان

( سراسری خارج از کشور ۸۹ ) .....

(۱) مأنوس شدن با گناهکاران - در گناه آنان، شریک شود.

(۲) راضی بودن به گناه قانون شکنان - در گناه آنان، شریک شود.

(۳) مأنوس شدن با گناهکاران - مورد لعن پیامبران قرار گیرد.

(۴) راضی بودن به گناه قانون شکنان - مورد لعن پیامبران قرار

گیرد.

گزینه‌ی «۱» صحیح است

۷- به بیان امام علی (ع)، سدّ راه حاکمیت اشرار بر جامعه،  
..... است و سخن امام صادق (ع)، در تفهیم ( و لکن منکم امة  
یدعون الی الخیر) حاکی از آن است که « نماز و نیکی » از مصادیق  
..... مسلمانان است که جاذبه به اسلام را همراه دارد.

( سراسری ریاضی ۸۹ )

(۱) جدی گرفتن جهاد مستمر فی سبیل الله - دعوت عملی

(۲) عمل به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر - دعوت عملی

(۳) جدی گرفتن جهاد مستمر فی سبیل الله - الگوی اعتقادی

(۴) عمل به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر - الگوی اعتقادی

گزینه‌ی «۲» صحیح است

# دین و زندگی

جلسه ششم

[www.3gaam.com](http://www.3gaam.com)

« درس پانزدهم »

« کار در نظام اقتصادی »

« کار و درآمد حلال »

| مصرف | تعلق | *    |
|------|------|------|
| ٨    | ٩    | زکات |
| ٦    | ٧    | خمس  |

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ  
قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ  
فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

منظور از صدقات همان زکات است.

وجوب زکات بر اساس صفت علم و حکمت الهی است.



## محل مصرف زكّات :

- |                   |               |
|-------------------|---------------|
| ١- فقرا           | ٥- الرقاب     |
| ٢- مساكين         | ٦- الغارمين   |
| ٣- العاملين عليها | ٧- في سبيل    |
| ٤- مؤلفة قلوبهم   | ٨- ابن السبيل |

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ  
مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ  
خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ  
لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ  
وَ الْمَسَاكِينِ وَابْنِ  
السَّبِيلِ

محل مصرف خمس :

- ١ - الله
- ٢ - رسول
- ٣ - ذي القربي
- ٤ - يتامي
- ٥ - مساكين
- ٦ - ابن السبيل

هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ...

کار خلاق و مولد مشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید  
استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن  
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

ایمان مقدم بر تقواست

تقوا بالاتر از ایمان است

داشتن تقوا مشروط به داشتن ایمان است

تقوا در گرو ایمان است

حرمت رباخواری (ذَرُوا)

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ  
رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

عدم ترک رباخواری به منزله‌ی جنگ با خدا و رسول  
است.

اگر رباخوار توبه کند فقط اصل سرمایه برای اوست  
لَا تَظْلِمُونَ (گیرنده‌ربا) و لَا تُظْلَمُونَ (رباخوار)

## کار، منشا اصلی تولید ثروت

در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولّد، منشا اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است. منطق فطرت هم برای پدید آورنده‌ی یک شی‌حق تصرف در آن را می‌پذیرد و او را مالک می‌شناسد. به همین جهت، مالک اصلی و حقیقی همه‌ی موجودات خداست.

رسول خدا (ص) می فرماید :

هرکس به آباد کردن زمینی که بی استفاده است بپردازد و  
شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن  
زمین از آن او خواهد بود.

بنابراین، کار، یا باید مولّد و خلاق باشد و یا نتیجه‌ی مفیدی  
داشته باشد تا بتوان نام «کار» بر آن گذاشت.

ربا کاذب ترین کارها = حرام

پول وسیله‌ای برای مبادله‌ی کالا است. اگر این پول، خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد، بدون این که فایده‌ای در کار باشد، ربا پیش می‌آید. برخی اشخاص مقداری پول را نزد خود انباشته می‌کنند و آن را به کسانی که نیاز دارند، قرض می‌دهند و بدون این که کاری انجام دهند یا در کار آن‌ها شریک شوند و خطر احتمالی را بپذیرند، با وام گیرنده شرط می‌کنند که پول بیش‌تری باز گرداند. این عمل سبب می‌شود کسانی بدون فعالیت و کار به ثروت‌های زیادی برسند و پول که باید در جامعه گردش داشته باشد، در دست عده‌ای خاص متمرکز شود.



گروهی هم که ناچار می‌شوند از چنین کسانی پول بگیرند، روز به روز فقیرتر می‌گردند؛ زیرا اینان ناچارند علاوه بر پولی که قرض گرفته‌اند، درصد زیادی نیز که قرض دهنده درخواست کرده، بپردازند. ادامه‌ی این کار سبب می‌شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و رباخواران حریص‌تر و ثروتمندتر شوند و طبقه‌ای استثمارگر در جامعه پدید آید.

در عصر رسول خدا (ص) مردم عربستان به «ربا» آلوده بودند؛ تا این که از جانب خداوند دستور آمد این عمل را ترک کنند و به جنگ با خدا و رسول او (ص) نپردازند.

## مشارکت کار و سرمایه:

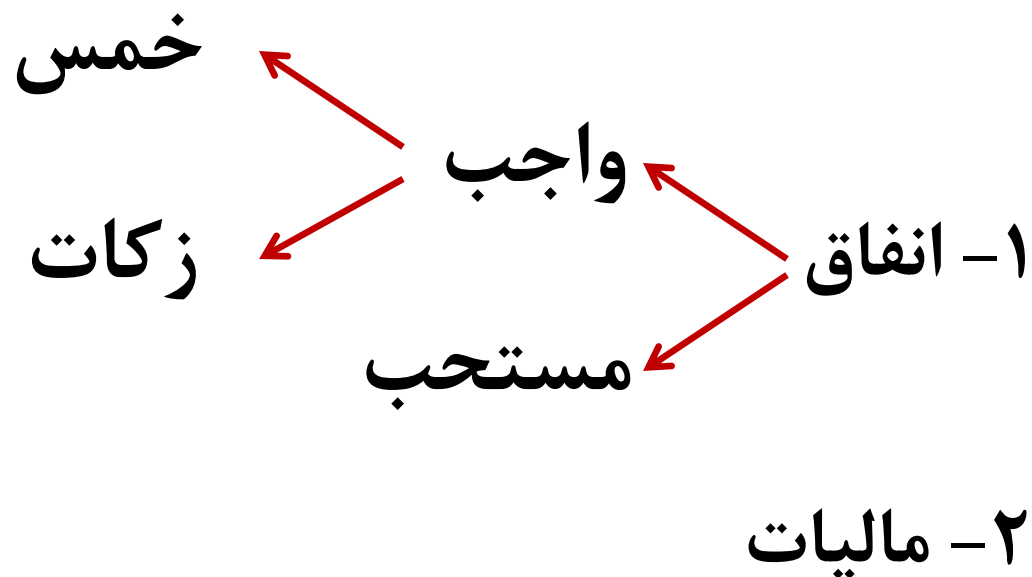
در هر فعالیت اقتصادی، دو عامل دخالت دارد: سرمایه و کار. با سرمایه و کار نوعی مشارکت اقتصادی به وجود می‌آید و سود یا زیان آن، بنابر توافق قبلی، میان صاحب سرمایه و انجام دهنده‌ی کار تقسیم می‌شود. برنامه‌ی اسلام در مورد ثروت و سرمایه، به کار گرفتن آن در تولید و سازندگی و توسعه و رفع فاصله‌ی طبقاتی و فقر است.

## بانکداری

در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت کار و سرمایه است. صاحبان پول و سرمایه، ثروت خود را بدان جا می‌سپارند تا در یک فعالیت اقتصادی مانند راه‌اندازی کارخانه، بنا کردن ساختمان، آباد کردن زمین کشاورزی و تاسیس مراکز علمی و پژوهشی به کار گرفته شود و سود حاصل میان بانک، صاحب سرمایه و صاحب فعالیت تقسیم می‌شود. قانون بانکداری که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و مبنای عمل بانک‌هاست، بر اساس مشارکت سرمایه و کار استوار است و از این جهات با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.

## تأمین نیازهای عمومی جامعه

نیازهای جامعه از دو راه تأمین می شود



انفاق بر دو نوع است : واجب و مستحب.

انفاق واجب نیز به دو صورت «زکات» و «خمس» انجام می‌گیرد.

**۱- زکات:** قرآن کریم در بسیاری موارد، پس از برپاداشتن نماز

بر پرداخت زکات تأکید کرده است. زکات یک انفاق واجب است

که به برخی از اموال تعلق می‌گیرد. این اموال عبارتند از:

۱- غلات : گندم، جو ، خرما و کشمش

۲- دام‌ها : شتر، گاو و گوسفند

۳- سگه‌ها : طلا و نقره

باید توجه داشت که:

الف: زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که مورد زکات به حد معین یا تعداد معین برسد. هریک از این اموال نه گانه حدّ نصاب خاصی دارند.

ب: زکات، یک عبادت است و لازم است به نیت زکات و با قصد قربت انجام شود.

ج: زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سگّهای باشد که معاملهی با آن رواج دارد؛ بنابراین، زیورآلات خانمها زکات ندارد.

## زکات فطره

در پایان ماه رمضان که عید فطر فرا می‌رسد و همه در شادی به سر می‌برند، خداوند، برای کمک به محرومان و مستمندان جامعه زکات فطره را واجب کرده است و احکام آن به شرح زیر است:

الف: کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و هشیار است و فقیر نیست باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفر به میزان تقریبی ۳ کیلوگرم گندم یا جو یا خرما یا برنج و مانند این‌ها به مستحق بدهد. اگر پول یکی از این‌ها را هم بدهد، کافی است.

ب: کسی که دیگری باید فطره‌ی او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

ج: کسی که نمی‌تواند مخارج سال خود و خانواده‌اش را تأمین کند و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و خانواده‌اش را پرداخت کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.

د: انسان باید زکات فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند بپردازد و موقع پرداختن نیت زکات فطره نماید.



**۲- خمس :** خمس یکی از راه‌های تأمین نیازهای جامعه است که به هفت چیز تعلق می‌گیرد و رایج‌ترین آن‌ها منفعت کسب و کار است. همه‌ی کسانی که از طریق کار، درآمدی کسب می‌کنند، پس از صرف هزینه‌های سالانه‌ی زندگی خود و خانواده، باید  $\frac{1}{5}$  آنچه را باقی مانده، به عنوان خمس بپردازند.

**حساب سال:** حتما شنیده‌اید که می‌گویند هر کس باید برای پرداخت خمس، حساب سال داشته باشد. داشتن حساب سال به این معناست که هر کس باید یک روز از سال را روز تعیین میزان خمس اموال خود قرار دهد تا ببیند که آیا پرداخت خمس برعهده‌ی او هست یا نه؟

چنین شخصی در طول سال درآمدهایی به دست می‌آورد و از این درآمد، مخارج زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین می‌کند. پس از گذشت یک سال، وقتی به روز موعود رسید، اگر از درآمد او چیزی باقی مانده باشد - چه به صورت پول و چه به صورت کالا- باید  $\frac{1}{5}$  آن را به عنوان خمس به حاکم اسلام و یا مجتهد جامع الشرایط پرداخت کند تا ایشان در راه‌هایی که قرآن کریم و رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) معین کرده اند، به مصرف برساند.

- ۱- تا خمس مال پرداخت نشود، استفاده از آن جایز نیست؛ مثلاً با پولی که خمس آن پرداخت نشده، نمی‌توان چیزی خرید.
- ۲- اگر با پولی که خمس آن داده نشده‌اشت، خانه‌ای خریداری شود، نماز خواندن در آن خانه باطل است.
- ۳- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف در خانه خریده شده است - مانند برنج، روغن و چای - اگر در آخر سال زیاد بیاید باید خمس آنچه باقی‌مانده است، پرداخت شود.
- ۴- زیورآلات خانم‌ها، اگر بیش از مقدار مصرفی متداول آن‌ها باشد و جنبه‌ی ذخیره به خود بگیرد، قسمت اضافی آن دارای خمس است، و خمس آن باید پرداخت شود.

۵- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، یک پنجم آن چیز مال او نمی‌شود.

۶- اگر بچه‌ای سرمایه‌ای داشته باشد و از آن منافی به دست آید، بنا بر احتیاط واجب بعد از آن که بالغ شد باید خمس آن را بدهد.

## مالیات :

مالیات پولی نیست که برای دیگران پرداخت می‌کنیم، بلکه بابت هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌ی خودمان در جامعه است؛ از این رو پرداخت کننده‌های مالیات نباید منتی بر کسی داشته باشند.

نظام اسلامی وظیفه دارد خمس، زکات و مالیات را با روش مناسب و با حفظ حرمت شخص پرداخت کننده، از او دریافت کند و هر کدام را در جای خاص خود هزینه نماید و در آبادانی و سازندگی کشور بکوشد. امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر که از جانب ایشان حاکم مصر شده بود، چنین می نویسد:

برنامه‌ی مالیات را به گونه‌ای رسیدگی کن که به صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات دهندگان است،

و کار دیگران سامان نیابد مگر آن که کار مالیات دهندگان  
سامان پذیرد، چرا که همه‌ی مردم جیره خوار مالیات و مالیات  
دهندگان هستند اما باید بیش از آنچه به جمع مالیات  
بیندیشی، در فکر آبادی زمین باشی، زیرا مالیات جز از طریق  
آباد کردن زمین به دست نیاید، و هرکس بدون آباد کردن زمین  
مالیات طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد، و  
حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.

## اندیشه و تحقیق

إِن المصدقين والمصدقات و أقرضوا الله  
قرضا حسنا و يضاعف لهم

سه آیه ← ...وأقرضتم الله قرضا حسنا لأكفرن  
عنكم سيئاتكم...

← إِن تقرضوا الله قرضا حسنا يضاعفه  
لكم ويغفر لكم...

۱- پیام کدام آیه «افزایش سرمایه در پرتو انفاق و وام غیر  
مشروط» است؟  
(سراسری تجربی ۹۰)

۱) أقرضتم الله قرضا حسنا لا كفرن عنكم سيئاتكم

۲) إن تقرضوا الله قرضا حسنا يضاعفه لكم ويغفر لكم و الله شكورٌ حلیم

۳) إن المصدقين والمصدقات وأقرضوا الله قرضا حسنا يضاعف لهم

۴) إنما الصدقات للفقراء و المساكين و العاملين عليها و المؤلفة قلوبهم

گزینه‌ی «۳» صحیح است



۲- نتیجه‌ی اعطای وام بدون بهره (قرض الحسنه) با توجه به پیام

کدام آیه، «آمزش گناهان» است؟ (سراسری خارج از کشور ۸۹)

(۱) و أقرضتم الله قرضا حسنا لا كفرن عنكم سيئاتكم و لأدخلنكم جنّاتٍ

(۲) إن تقرضوا الله قرضا حسنا يضاعفه لكم ويغفر لكم و الله شكورٌ حلیم

(۳) إن المصدقين والمصدقات و أقرضوا الله قرضا حسنا يضاعف لهم و لهم

اجرٌ كريم

(۴) من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له اضعافاً كثيرة و الله

يقبض و يبسط و اليه تُرجعون

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۳- با توجه به آیهی شریفهی (إِن الْمُصْذِیْقِیْنَ وَالْمُصْذِیْقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا) خدای متعال، قرض بدون ربا را بدان جهت «قرض الحسنه» نام برده است که ....  
(سراسری ریاضی ۸۹)

- ۱) به افزایش سرمایه‌ها می‌انجامد و اجر و مزد با کرامت به همراه دارد.
- ۲) به افزایش سرمایه‌ها و آمرزش گناهان و ورود به بهشت می‌انجامد.
- ۳) راه دنیا پرستی و هدف قرار دادن دنیا را بر قلب و درون می‌بندد.
- ۴) دل و اندیشه را از آرایش مال پرستی و زر و زیور خواهی، پاک می‌گرداند.

گزینه‌ی «۱» صحیح است

**۴-** با توجه به آیهی شریفه‌ی (فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَإِنْ تَبْتِمُ فَلَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تُظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ) نشانه‌ی ظلم نکردن و مورد ظلم واقع نشدن ..... و ..... می‌باشد.  
(سراسری تجربی ۸۹)

(۱) خودداری کردن از رباخواری - ترک جنگ با خدا و پیامبر

(۲) رعایت تقوا در شئون زندگی - ترک جنگ با خدا و پیامبر

(۳) خودداری کردن از رباخواری - صیانت از مالکیت خصوصی

(۴) رعایت تقوا در شئون زندگی - صیانت از مالکیت خصوصی

گزینه‌ی «۳» صحیح است

۵- رعایت «حدّ نصاب» و «منظور داشتن هزینه‌های سالانه‌ی زندگی خود و خانواده» و کاربرد «ذی‌القُربی» و «المؤلفهٔ قلوبُهم» به ترتیب در عمل به کدام یک از فرایض مالی مطرح می‌شود؟

(سراسری انسانی ۸۹)

۱) خمس - زکات - خمس - زکات

۲) خمس - زکات - زکات - خمس

۳) زکات - خمس - زکات - خمس

۴) زکات - خمس - خمس - زکات

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۶- با توجه به آیات شریفه‌ی (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ \* فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ) مفهوم می‌گردد که .... و .... است.

(سراسری هنر ۸۹)

۱) خود داری کردن از رباخواری مشروط بر تحقق ایمان -  
توبه از رباخواری ، معلول دفع ستم‌گری و ستم‌پذیری

(۲) کمال ایمان در گرو خودداری کردن از رباخواری-توبه از رباخواری ، معلول دفع ستم‌گری و ستم‌پذیری

(۳) کمال ایمان در گرو خودداری کردن از رباخواری-اعلان جنگ با خدا و پیامبر، معلول ترک‌نکردن رباخواری

(۴) خودداری کردن از رباخواری مشروط بر تحقق ایمان-

اعلان جنگ با خدا و پیامبر، معلول ترک نکردن رباخواری  
گزینه‌ی «۴» صحیح است

۷- با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی (یا ایها الذین ءامنوا فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله ورسوله و ان تبتم ...) توبه از ربا در گرو ..... می باشد.

(سراسری زبان ۸۸)

۱) جبران فقر حاکم بر زندگی قرض گیرنده

۲) ریشه کن شدن ربا از جامعه ، به وسیله مؤمنان

۳) دست یابی قرض دهنده به سرمایه مورد قرض

۴) دست یابی قرض گیرنده به نتایج کار و تلاش خویش

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۸- مهم ترین عاملی که سبب شده جهان به دو قطب غنی و فقیر ، مسلط و زیر سلطه تقسیم شود ، کدام است؟

(سراسری فنی و حرفه‌ای ۸۸)

(۱) توسعه طلبی و برتری خواهی و قدرت نظامی کشورهای بزرگ  
(۲) استثمار کشورهای فقیر و نیازمند توسط سرمایه داران جهان  
(۳) ربا دادن سرمایه داران بزرگ جهان به کشورهای فقیر و نیازمند

(۴) وجود معادن غنی و ثروت‌های طبیعی در کشورهای فقیر و نیازمند  
گزینه‌ی «۳» صحیح است



۹- با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی ( فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ... ) اعلان جنگ با خدا و رسولش زمانی است که یک نظام ..... فرهنگ ..... را دنبال کند.

(جامع علمی کاربردی ۸۸)

(۱) اقتصادی-رباخواری (۲) اعتقادی-چاپلوسی

(۳) اقتصادی-رشوه خواری (۴) اعتقادی-طمع ورزی

گزینه‌ی «۱» صحیح است

« درس شانزدهم »  
« یاری از نماز و روزه »

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

خداوند به انسان نزدیک است ، هنگامی بنده‌ای خدا را بخواند

خدا به او جواب می‌دهد لازمه رستگاری و راه یافتن پذیرش

دعوت خداوند و ایمان به خداست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ

الصَّابِرِينَ

ایمان باید همراه با کمک جستن از صبر و نماز باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

این آیه اشاره به وجوب روزه دارد  
روزه در ادیان قبل از اسلام هم واجب بوده است  
از ثمرات و نتایج روزه پرهیزکاری است

أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ

الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

نتیجه نماز واقعی، دوری از گناهان است

نماز بزرگترین ذکر الهی است

ثمره برتر نماز یاد خداست

در این آیات، خداوند، مهم‌ترین فایده‌های نماز و روزه را متذکر می‌شود. دو فایده نماز عبارتند از:

۱- یاد خدا                      ۲- دوری از گناه

و مهم‌ترین فایده‌ی روزه عبارت است از: تقوا، پاکی و پارسایی  
«تقوا» به معنی «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان متقی یعنی کسی که خود نگهدار است و خود را حفاظت می‌کند. به عبارت دیگر: انسان متقی بر خودش مسلط است، زمام و لجام خود را در کنترل و در اختیار خود دارد و نمی‌گذارد که در پرتگاهی قرار بگیرد که با یک حرکت بی‌جا در دره‌های هولناک سقوط کند.

اثر نماز به تداوم و پیوستگی آن و نیز به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. چنان که اگر گفته شود هر کس درس بخواند، موفق می‌شود، طبیعتاً موفقیت همه یکسان نیست و به نحوه و کیفیت درس خواندن آن‌ها بستگی دارد. بنابراین اگر نمازهای روزانه‌ی خود را ترک نکنیم به میزان دقت و توجه خود، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت.

اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.

اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، از آلودگی‌های ظاهری حفظ خواهیم شد.



اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، به کسب درآمد از راه حرام متمایل نخواهیم شد.

اگر در هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، دیگران در دل ما جای خدا را نخواهند گرفت.

اگر در رکوع و سجود عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

اگر عبارت «اهدنا الصراط المستقیم» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دیگران دل نخواهیم بست.

اگر عبارت « غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین » را با توجه بگوییم، خود را در زمره‌ی کسانی که خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد.

بنابراین؛ با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم به تدریج چنان تسلطی بر خود پیدا می‌کنیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.

توجه کنیم که برخی کارها نیز خاصیت نماز را از بین می‌برند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم. مانند:

## ۱- خشم به پدر و مادر

امام صادق (ع) فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند - هرچه والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.»

## ۲- غیبت کردن

پیامبر اکرم (ص) به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز، نماز و روزه اش قبول نمی شود، مگر این که غیبت شده او را ببخشد.»

از این روست که امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده است یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است.»

نتیجه این که : اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می‌شود که عیب و نقصی در نماز خواندن ما هست. باید جستجو کنیم تا آن عیب را بیابیم و برطرف کنیم.

رسول خدا (ص) : نمازهای یومیّه مانند چشمه ساری است که مردم روزی پنج بار خود را در آن شست و شو می‌کنند.

## باطل کننده‌های روزه

نه چیز روزه را باطل می‌کند، که از آن جمله است: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر علیهم‌السلام، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح و قی کردن.

۱- اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش **باطل نمی‌شود**.....

۲- اگر روزه دار، چیزی را که لای دندان مانده، **عمداً بخورد**..... روزه‌اش

باطل می‌شود.

۳- انسان نمی تواند به خاطر ضعف، روزهی خود را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود تحمل کرد،  
**نباید روزه بگیرد و قضای آن را بعداً بگیرد**.....

۴- روزه دار .....**نباید**..... غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آنها را به حلق برساند.

۵- اگر روزه دار عمداً سر را در آب فرو برد، اگر چه باقی بدن او از آب بیرون باشد، باید قضای آن روز را بگیرد ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد **روزه اش صحیح است**.....

کسی که غسل جنابت بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم ننماید، نمی‌تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است. اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُدّ (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد.

اگر کسی روزهی ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم «کفّاره» بدهد. یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد (به هر فقیر یک مُدّ) و این کار باید تا رمضان آینده انجام شود.

اگر کسی به چیز حرامی روزهی خود را باطل کند، مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفّارهی جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفّارهی یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.



## وظیفه‌ی شخص مسافر

کسی که به سفر می‌رود، اگر شرط‌های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

الف- رفتن او کمتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۵/۲۲ کیلومتر) و مجموعه‌ی رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد.

ب- بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده بماند.

پس کسی که می‌خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد.

ج- برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد. مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه‌اش را بگیرد. اگر فرزند با نهی پدر و مادری به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده، باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

۱- اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟

اگر مسافر چنان چه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باید روزه را بگیرد و اگر بعد از ظهر وارد شد نباید روزه بگیرد

۲- اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند، برسد، وظیفه‌اش چیست؟ نمی‌تواند روزه بگیرد

۳- اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند وظیفه‌اش نسبت به روزه‌ی آن روز چیست؟ باید روزه آن روز را بگیرد

۴- اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه‌اش چیست؟

وقتی به حد ترخص برسد یعنی جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان را نشنود باید روزه‌ی خود را باطل کند، اگر پیش از آن روزه را باطل کند بنابر احتیاط کفاره نیز بر او واجب است.

۱- در بیان امام صادق (ع) نپذیرفته شدن نماز از سوی خداوند معلول ..... است و در بیان پیامبر اکرم (ص) نپذیرفته شدن نماز و روزه تا ..... روز معلول ..... است.

- ۱) از روی خشم به پدر و مادر نگاه کردن - ۲۰روز - غیبت مسلمانی را کردن
  - ۲) غیبت مسلمانی را کردن - ۲۰روز - از روی خشم به پدر و مادر نگاه کردن
  - ۳) غیبت مسلمانی را کردن - ۴۰روز - از روی خشم به پدر و مادر نگاه کردن
  - ۴) از روی خشم به پدر و مادر نگاه کردن - ۴۰روز - غیبت مسلمانی را کردن
- گزینه‌ی «۴» صحیح است

۲- اگر روزه دار سهواً چیزی را بخورد روزه اش ..... است و اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده فرو برد روزه اش ..... است و اگر روزه دار تمام بدن خود را در آب فرو برد و سر او بیرون باشد روزه اش ..... است.

(۱) باطل - باطل - صحیح

(۲) صحیح - باطل - صحیح

(۳) باطل - باطل - باطل

(۴) صحیح - صحیح - باطل

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۳- از آیه‌ی شریفه «یا ایها الذین امنو کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» کدام موضوع مستفاد نمی‌گردد؟

(۱) این آیه اشاره به وجوب روزه برای مؤمنان دارد.

(۲) در ادیان گذشته نیز روزه واجب بوده است.

(۳) این آیه خطاب به مؤمنان است و لزوم کمک خواستن از روزه در آن بیان شده است.

(۴) یکی از اهداف وجوب روزه رسیدن به تقوای الهی است.

گزینه‌ی «۳» صحیح است

۴- با توجه به آیه شریفه «و اذا سالک عبادى عنى فانى قريب اجيب  
دعوة الداع اذا دعان» باید به ترتیب ..... و ..... تا به .....  
برسیم.

(۱) دعوت خدا را بپذیریم - به خدا ایمان بیاوریم - رستگاری

(۲) به خدا ایمان بیاوریم - دعوت خدا را بپذیریم - رستگاری

(۳) دعوت خدا را بپذیریم - به خدا ایمان بیاوریم - مقام صابران

(۴) به خدا ایمان بیاوریم - دعوت خدا را بپذیریم - مقام صابران

گزینه‌ی «۱» صحیح است

## ۵- کدام گزینه درباره روزه صحیح نیست؟

- (۱) اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد، روزه اش باطل نمی‌شود.
  - (۲) اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده سهواً فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.
  - (۳) روزه‌دار نباید بخار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آن‌ها را به حلق برساند.
  - (۴) اگر روزه‌دار تمام بدنش را زیر آب ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.
- گزینه‌ی «۲» صحیح است



۶- در بیان امام صادق (ع) ..... مانع پذیرش نماز است و  
در بیان پیامبر اکرم (ص) ..... مانع پذیرش ..... نماز و  
روزه است.

(۱) غیبت کردن - خشم به پدر و مادر - چهل روزه‌ی

(۲) خشم به پدر و مادر - غیبت کردن - یک ساله‌ی

(۳) خشم به پدر و مادر - غیبت کردن - چهل روزه‌ی

(۴) غیبت کردن - خشم به پدر و مادر - یک ساله‌ی

گزینه‌ی «۳» صحیح است